

منصور اساتلو به سلول انفرادی منتقل شد



بقیه در صفحه ۷

نهمصد هزار نفر از کارگران صنعت برق در آستانه بیکاری قرار دارند

بقیه در صفحه ۹

شورش مجدد در زندان رجایی شهر کرج زندانیان محبوس در بند ۱ زندان رجایی شهر کرج مجددا شورش کردند.

بقیه در صفحه ۱۱

اعتراض ۱۲۰۰ مدافع حقوق برابر به لایحه حمایت از خانواده

بقیه در صفحه ۹

به یاد فروغ فرخزاد در سالگرد خاموشی اش (۲۴ بهمن سال ۱۳۴۵)



بقیه در صفحه ۱۲

تظاهرات خیابانی را

با مبارزه گریلانی مسالمت آمیز تکمیل کنیم!
درس هایی که از ۲۲ بهمن ۸۸ می توان آموخت
ارژنگ بامشاد
بقیه در صفحه ۲

قدرت مردم،

قدرت رسانه ها و استیصال استبداد ولایتی
هینت تحریریه سایت راه کارگر

بقیه در صفحه ۳

۳۱ سال پس از انقلاب بهمن: از بت شکنی تا ساختار شکنی
گفتار سیاسی رادیو راه کارگر:
شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۳ فوریه ۲۰۹۰

بقیه در صفحه ۴

گزارشی از تهران؛ هراس و لشکرکشی رژیم در تهران بقیه در صفحه ۵

گزارش خبرنگار روزنامه روسی "کامرسانت" از تظاهرات ۲۲ بهمن:

اینترنت و شبکه ها قطع شد اما اپوزیسیون قصد دست برداشتن ندارد
بقیه در صفحه ۵

برخی خبرهای کارگری

بقیه در صفحه ۷

۲۲ بهمن و تحقق آرمان آزادی اندیشه و بیان
کانون نویسندگان ایران در تبعید
بقیه در صفحه

بانک مرکزی:

کاهش ۶۵ درصد رشد اقتصادی

بقیه در صفحه ۶

شنود بیسیم سردار رادان در ۲۲ بهمن:

دست و پای زنان و بچه ها را بشکنید

بقیه در صفحه ۱۲

تظاهرات خیابانی را

با مبارزه گریلانی مسالمت آمیز تکمیل کنیم! درس هایی که از ۲۲ بهمن ۸۸ می توان آموخت

ارژنگ بامشاد

حتی اگر بخش هایی وسیعی از مردم به عرصه مبارزه با استبداد دینی تا دندان مسلح کشانده شوند، باز تا زمانی که نیروهای سرکوب دست نخورده باقی مانده و بصورت یک پارچه در خدمت استبداد عمل می کنند، درگیر شدن مستقیم با آن ها، جز تحمیل هزینه های غیرضرور به جنبش مردمی، فایده ای ندارد. از این رو برای فرسوده کردن این نیروی جهنمی، باید از جنگ بزرگ و رودرو پرهیز کرد و شیوه ی جنگ های کوچک و نامنظم را در پیش گرفت. از این رو برای ادامه ی راهی که در پیش گرفته شده، هم باید برای پیوند جنبش عمومی - سیاسی با جنبش مطالباتی تلاش کرد و هم باید جنبش خیابانی را به مبارزه گریلانی مسالمت آمیز پیوند زد. مبارزه گریلانی مسالمت آمیز می تواند تمامی نهادها و عرصه های زندگی اجتماعی را در بر گیرد. دشمن را در همه جا غافلگیر کند. ضرباتش را اینجا و آنجا فرود آورد و جاخلی بدهد و دشمن را انگشت به دهان بگذارد.

۲۲ بهمن امسال، چهره کریه و سرکوبگر جمهوری اسلامی، در سی و یکمین سالروز انقلاب بهمن ۵۷ را به بهترین شکلی نشان داد. رژیم سرکوبگر از ترس حضور میلیونی مردم، پس از پایان مراسم عاشورا ابعاد سرکوبگری هایش را به شدید ترین شکلی گسترش داد. صدور احکام اعدام، به دار آویختن جوانان بی گناه، صدور احکام سنگین زندان، همراه با فریاد های خونریزانه از تریبون های نماز جمعه از جمله ی این اقدامات بود. در روزهای منتهی به ۲۲ بهمن با یورش های شبانه تعداد زیادی از فعالان سیاسی، مدنی، فرهنگی، ملی، دانشجویی و کارگری دستگیر شده و روانه ی زندان شدند. زندانیان سیاسی سابق فراخوانده شده و از آن ها تعهد گرفته شد که در ۲۲ بهمن در خانه بمانند. برای درهم شکستن سیستم ارتباطی فعالان جنبش ضد دیکتاتوری، شبکه اینترنت سراسر ایران به پایین ترین سرعت کاهش و یا در مناطقی کاملاً قطع شد. سیستم پیامک مختل شد. شبکه های رادیو و تلویزیونی فارسی زبان زیر امواج پارازیت های دولتی مختل شد. تمام این اقدامات برای آن بود که مردم به خیابان ها نیایند.

از سوی دیگر برای کنترل اوضاع در ۲۲ بهمن و از ترس حضور مردم، حاکمان مستبد تمامی نیروهای سرکوب خود را به خیابان ها آوردند. در میدانی و خیابان های اصلی نیروهای تا دندان مسلح مستقر کردند. خیابان های فرعی و کوچه های منتهی به خیابان های اصلی محل راهپیمایی را مسدود کردند. اطراف میدان آزادی را با نرده های آهنی و بلوک های سیمانی بستند و میدان را از ساعت ها پیش با نیروهای بسیج شده از شهرستان ها و یا خانواده های پرسنل ارتش و سپاه و بسیج پر کردند تا محل سخنرانی در اختیارشان باشد. در محوطه ی صدا و سیما و مراکز اصلی حکومتی، تیربار و تجهیزات نظامی مستقر کردند. آن ها برای یک جنگ تمام عیار خود را آماده کرده بودند. آن ها از ملتی که می خواست دست به تظاهرات مسالمت آمیز بزند، وحشت زده بودند.

با آغاز راهپیمایی، نیروهای سرکوب، هر نوع تجمع غیرسازمانیافته دولتی را درهم شکستند. از آغاز بامداد روز ۲۲ بهمن، آشکارا به دستگیری جوانانی که حدس می زدند از فعالین باشند یا حتی کسانی که کفش های کتانی بر پا داشتند را دستگیر کردند. سیاست مزدوران رژیم این بود که حد المقذور جوانان فعال و سازمانگر تظاهرات را از توده تظاهرکنندگان جدا کنند. پاشیدن رنگ روی جوانان تظاهرکننده برای نشان کردنشان و سپس دستگیری آن ها توسط نیروهای انتظامی، تاکتیک دیگرشان برای فلج کردن تظاهرکنندگان بود. از حضور رهبران اصلاح طلب بشدت ممانعت کرده و آن ها را بخشاً با ضرب و شتم به خانه هایشان فرستادند. چنین آمادگی برای مقابله با مردمی که در هشت ماه گذشته جز قدم های استوار و فریاد های اعتراض چیزی نداشته اند، نشان از شکست اخلاقی و سیاسی رژیم می دهد که از ترس مرگ هم چون گرگ وحشی به جان مردم افتاده است.

اما علیرغم تمامی این اقدامات، مردم به خیابان ها آمدند. نه تنها در تهران که در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور. در ۲۲ بهمن برخلاف سال های پیشین تنها یک تظاهرات برگزار نشد. تظاهرات مردمی حال و هوای دیگری داشت. در این جا از شعارهای حکومتی خبری نبود. مردم در تجمعات گوناگونی که زیرحضور سنگین نیروهای سرکوب، ضربات باتون، تیراندازی، گازهای فلفل و ماشین های آب پاش که با آب جوش

پوشانده بودند، بر پا کردند، شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "رفراندام، رفراندام، این است شعار مردم" سردادند. همین تظاهرات مستقل که از میانه های ظهر تا پایان شب در جابجا ی شهرها جریان داشت، نیروهای سرکوب رژیم را به استیصال کشاند. اگر تاکتیک غیرمتمرکز کردن تظاهرات مستقل با توجه به توازن قوای موجود و حضور سنگین نیروهای سرکوب، در پیش گرفته می شد، ابعاد تظاهرات و اعتراضات مردمی در ۲۲ بهمن بسیار گسترده تر و با شکوه تر از آن چه بود که انجام گرفته بود. اما همین حد از تظاهرات مستقل اعتراضی مردم و شعارهای ضدحکومتی شان نشان از ظرفیت بالا و تثبیت شده ی مبارزات ضد دیکتاتوری مردمی داشت.

اما ۲۲ بهمن و تمرکز فوق العاده دستگاه سرکوب، و تاکتیک تمرکز همیشگی و بیش از حد روی تظاهرات خیابانی، هزینه ی مبارزه را به تدریج بشدت بالا برده است. واقعیت این است که هنوز توازن قوا به نفع جنبش مردمی بر هم نخورده است. هنوز بخش های وسیعی از توده های کار و زحمت به عرصه مبارزه ی مستقیم کشانده نشده اند. اگر تمرکز خبررسانی بر رسانه های مجازی استوار است، بسیاری مردمی که به این شیوه های خبررسانی دست رسی ندارند، حتی بسیاری به راحتی نمی توانند ماهواره داشته باشند تا از این طریق در جریان تحولات قرار گیرند. از این رو تلاش سازمانیافته برای دستیابی به این بخش از جامعه و درگیر کردن آن ها با مبارزات جاری یکی از عرصه های کار آگاهگرانه و سازمانگرانه است. سیاست آگاهگرانه باید که روی اشکال متنوع و قابل دسترس برای همگان استوار شود. تلفیق اشکال تبلیغی مدرن و مجازی با اشکال سنتی تبلیغ هر چند به کار جدی و صرف اثری احتیاج دارد، اما از ضرورتی تام برخوردار است. بدون رساندن اخبار و اطلاعات آگاهگرانه به اکثریت عظیم مردم و نیروی لایزال کار و زحمت نمی توان روی شکل گیری تحولات عظیم اجتماعی حساب کرد.

تاکید مجدد و دائم بر خواست های مطالباتی مردم و مطرح کردن آن ها ضرورتی تام دارد. بدون وارد شدن ارتش کار و زحمت که مطالبات ملموس و مشخص شان، آن ها را به عرصه ی مبارزه با ارکان نظام خواهد کشاند، نمی توان کمر رژیم را شکست. از این روی دست گذاشتن روی این خواست ها بویژه در زمانی که بحران اقتصادی گلوی زحمت کشان را بیش از دیگران می فشارد و چنگال فقر، تورم، گرانی و بیکاری پیکر اردوی کار و زحمت را می درد، می تواند به بسیج و درگیر شدن این نیرو کمک شایانی کند. بر متن این فعال شدن و درگیر گشتن است که زمینه برای شکل گیری تشکل های مستقل توده ای نیز فراهم می شود. همین تشکل های مستقل توده ای که بر مبنای محیط های کار و زندگی شکل می گیرند، می توانند به شبکه های سازمانی یک مبارزه طولانی و مستمر تبدیل شوند بدون آن که هزینه های سنگینی بر فعالین وارد سازند.

حتی اگر بخش هایی وسیعی از مردم به عرصه مبارزه با استبداد دینی تا دندان مسلح کشانده شوند، باز تا زمانی که نیروهای سرکوب دست نخورده باقی مانده و بصورت یک پارچه در خدمت استبداد عمل می کنند، درگیر شدن مستقیم با آن ها، جز تحمیل هزینه های غیرضرور به جنبش مردمی، فایده ای ندارد. از این رو برای فرسوده کردن این نیروی جهنمی، باید از جنگ بزرگ و رودرو پرهیز کرد و شیوه ی جنگ های کوچک و نامنظم را در پیش گرفت. از این رو برای ادامه ی راهی که در پیش گرفته شده، هم باید برای پیوند جنبش عمومی - سیاسی با جنبش مطالباتی تلاش کرد و هم باید جنبش خیابانی را به مبارزه گریلانی مسالمت آمیز پیوند زد. مبارزه گریلانی مسالمت آمیز می تواند تمامی نهادها و عرصه های زندگی اجتماعی را در بر گیرد. دشمن را در همه جا غافلگیر کند. ضرباتش را اینجا و آنجا فرود آورد و جاخلی بدهد و دشمن را انگشت به دهان بگذارد. این تاکتیک را می توان در تظاهرات پراکنده و موردی و در چهارگوشه ی شهر و به مناسبت های گوناگون شکل داد و پس از تجمعات کوتاه مدت، پراکنده شد و نیروی دشمن را پراکنده و عاصی کرد و تن به درگیری رودرو نداد. مبارزه گریلانی مسالمت آمیز می تواند به شکل اعتصابات گوناگون و پراکنده نیز عمل کند. اعتصابات که در مدارس، دانشگاه ها، ادارات و کارخانه ها و کمشزارها شکل می گیرد، هر چند در نگاه اول پراکنده هستند، اما تداوم آن ها، پیوندی درونی میانشان ایجاد کرده و دشمن را از هر سو به محاصره در خواهد آورد.

برای سازماندهی مبارزه ی گریلانی مسالمت آمیز، شکل دهی به سازماندهی مؤثر درونی میان فعالین جنبش ضرورتی تام دارد. این تشکل ها و فعالین سازمان یافته هستند که در محل اقدام می توانند تصمیم بگیرند چه زمانی دست به تظاهرات و اقدام بزنند و چه زمانی به حرکت پایان دهند و نیروی خودی را پراکنده ساخته و از تیررس دشمن دور کنند. در روند پیشروی و تداوم مبارزه، فعالین سازمان یافته مناطق و عرصه های گوناگون می توانند در تماس با یکدیگر قرار گرفته و سازماندهی گسترده تری را برای اقدامات هم آهنگ آتی شکل دهند. چنین شیوه ای از سازماندهی طبعاً نقش آن هایی که تلاش می کنند سکان حرکت های مردم را به ناحق در دست گیرند و موج سواری کنند را به حداقل می رساند.

۲۷ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۶ فوریه ۲۰۱۰

قدرت مردم،

قدرت رسانه‌ها و استیصال استبداد ولایتی

هینت تحریریه سایت راه کارگر

در آستانه ی برگزاری مراسم ۲۲ بهمن رژیم اسلامی از وحشت از مبارزات ضد استبدادی مردم، برای قطع ارتباطات میان فعالین جنبش و توده های جان بر لب رسیده، سیاست کنترل خشن رسانه ها و کانال های خبررسانی را که از هشت ماه قبل تشدید کرده بود، به اوج خود رساند. بیش از ده روزنامه قانونی تعطیل شدند. صدها خبرنگار و وبلاگ نویس بازداشت شدند. صدها خبرنگار به خارج پناه بردند. سایت‌های بیشماری فیلتر شده و مورد حمله دستگاه امنیتی رژیم قرار گرفتند. در این یورش و حشیانه حتی وفاداران به ولی فقیه نیز در امان نبودند. در ادامه همین تلاش ها بود که دولت اسلامی به رسانه‌های خبری جهانی حمله کرده و هم چنان و با نادیده گرفتن قوانین جهانی به ارسال پارازیت بر برنامه‌های بی‌بی‌سی، صدای آمریکا و صدای آلمان مبادرت می‌کند. سیاست سانسور و سرکوب که حتی دامن رسانه‌های خارجی را هم گرفته با واکنش تند بسیاری مواجه شده است. در کنار اعتراض این رسانه‌ها و برخی از دولت‌های غربی به دولت اسلامی، بسیاری از سازمان‌های طرفدار حقوق بشر، و اخیراً اتحادیه خبرنگاران آلمان سیاست سانسور و سرکوب در ایران را محکوم کرده اند.

از مشخصه‌های استبداد ولایتی این است که هیچگاه به سرکوب خشن سیاسی بسنده نکرده و نمی‌کند. دولتی که ۳۱ سال قبل و از بطن یک انقلاب توده ای عظیم بیرون آمد همواره تعریفی "فرهنگی" از هویت و اهداف خود ارائه داده است. دستگاه ولایت فقیه نه تنها در صدد تحمیل "وحدت کلمه" در عرصه سیاسی، بلکه "وحدت کلمه" در رفتار، لباس، آموزش، سلیقه شخصی و غیره بوده است. این تلاش برای یکسان کردن رفتارهای اجتماعی و فرهنگی همواره با اتکا به خشن‌ترین اشکال سرکوب و سانسور صورت گرفته و می‌گیرد. در کشوری که حتی به دست گرفتن دست یک "نامحرم" اعلام ضدیت آشکار با بنیادها و باورهای دولت تلقی می‌شود، هر حرکت ناچیز و حتی یک رقص، یک بوسه، یک خنده، یک فیلم، عکس یا مقاله می تواند ارکان دستگاه ولی فقیه را به لرزه درآورد.

دولت اسلامی در کنار کنترل رسانه‌های اصلی، انحصاری کردن رادیو و تلویزیون، مالکیت دولتی اکثریت مطبوعات و کنترل شبکه‌های تلفن، همواره منابع و نیروی امنیتی خود را برای کنترل شهروندان و رسانه‌ها به کار گرفته و می‌گیرد. مقاومت مردم ایران در برابر این سیاست یکسان سازی فرهنگی دولت اسلامی چنان درخشان بوده که دستگاه ولایتی بارها و بارها مجبور به عقب نشینی شده است. ۳۱ سال از انقلاب بهمن می‌گذرد، و علیرغم این همه کنترل و سرکوب، علیرغم این که اکثریت عظیم جمعیت ایران جز دولت اسلامی دولت دیگری را تجربه نکرده اند، سردمداران این دولت همچنان از جان سختی "فرهنگ غیر اسلامی"، از "جنگ نرم" از لزوم یک "انقلاب فرهنگی" دیگر، و از نفوذ ستون پنجم می‌نالند. در این ۳۱ سال هر اندازه که ورشکستگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت محرزتر شده، اتکا رژیم به سرنیزه و سرکوب نیز افزایش یافته است. بر همین اساس تلاش دستگاه ولی فقیه برای سرکوب و سانسور شبکه‌های خبری و اطلاعاتی در ۸ ماه گذشته یک استثنا بر قاعده نیست.

بدنبال کودتای انتخاباتی خرداد ماه که بلافاصله به رودرویی آشکار مردم با دستگاه ولایت فقیه منجر شد، کودتاگران به سرکوب و سانسور هر چه و حشیانه تری متوسل شدند. اگر افزایش سرکوب های مدنی و فرهنگی در دوره پیش از کودتای خرداد و ناراضیاتی عظیم مردم از تنگتر شدن حصارهای اجتماعی و فرهنگی، در کشیدن مردم به پای صندوق‌های رای و مخالفت با احمدی‌نژاد نقش برجسته ای ایفا کرد، تلاش رژیم برای نادیده گرفتن بحران و از همه مهمتر اراده مردم و افزایش بیش از پیش سرکوب، به ژرفش و رادیکالیزه شدن جنبش ضد استبدادی مردم انجامید. رسانه‌های ثروتمند و مجهز دولت، این مظاهر "فرهنگ اسلامی" از کنترل افکار عمومی و تغییر آرا مردم ناتوان بودند. قدرت رسانه ها در مقابل قدرت مردم ناچیز بود. ناتوان از وادار کردن مردم به پذیرش اراده و اتوریته ولی فقیه، کودتاگران در کنار سیاست گسترش تهدید و ارعاب، اعدام و شکنجه، تلاش کردند تا رسانه‌های کوچک جنبش عظیم مردمی را خرد کنند.

کاملاً واضح است که این تشدید سرکوب و سانسور بخش مهمی از استراتژی رژیم برای مقابله با جنبش ضد استبدادی مردم ایران است. در این راستا کودتاگران تلاش می کنند تا، اولاً شریان خبررسانی و سازمان دهی جنبش اعتراضی مردم را قطع کنند؛ ثانیاً می کوشند از این طریق از مبادله ی اخبار بین فعالین در ایران و خارج از کشور و از این طریق از استحکام همبستگی بین فعالین و رسوایی هر چه بیشتر خود در عرصه جهانی جلوگیری کنند؛ و ثالثاً، با یکسان سازی خط تبلیغاتی طرفداران ولی فقیه نه تنها از گسترش شکاف در صفوف خود جلوگیری کرده، بلکه چهره متحدی از خود نشان دهند. همه شواهد، اما حاکی از استیصال و شکست کودتاگران است. جنبش ضد استبدادی مردم ایران نه تنها از پا نیفتاده است بلکه روز بروز و با گام های استوار به پیش رفته است. حرکات شجاعانه مردم در سالگرد انقلاب و حضور آن ها علیرغم تمامی تدابیر رژیم، نمونه ی درخشانی از مقاومت مردم علیه دستگاه ولی فقیه است. همین تداوم حضور مردم است که به تعمیق شکاف در صفوف وفاداران به ولی فقیه منجر شده است. سانسور رسانه‌های قانونی و از جمله نشریه هادی خامنه ای برادر ولی فقیه با سایت‌هایی هم چون "آیندگان" نه به متحد شدن صفوف آنان که به گسترش شکاف خواهد انجامید. بعلاوه، تشدید سرکوب و سانسور در ایران به رسوایی هر چه بیشتر کودتاگران در عرصه جهانی منجر شده و خواهد شد. ناتوان از عقب نشینی، کودتاگران راهی جز تکیه هر چه بیشتر به سرکوب و سانسور ندارند. در این نبرد نابرابر بین مردم و یک دولت مجهز و تا دندان مسلح، جنبش ضد استبدادی مردم ما نیازمند بکار گرفتن تمامی ابتکارات و خلاقیت‌های مبارزاتی خود است. در تمام این ۸ ماه گذشته مردم با همین خلاقیت‌ها دستگاه سانسور و سرکوب رژیم را زبون کرده اند. آن چه که رژیم را آشفته و نگران کرده قدرت مردم است. هر ابزاری در دست مردم ایران به رسانه ای برای افشاگری، خیر رسانی و سازمان دهی تبدیل شده است.

جنبش ضد استبدادی مردم در تلاش برای مقابله با سانسور و تقویت شبکه‌های خبری و تبلیغاتی جنبش، و در کنار ابزار کنونی، میتواند روی این عرصه‌ها نیز متمرکز شود:

۱) درست به همانگونه که گسترش دامنه جنبش در ایران تنها با اتکا به تظاهرات خیابانی و با استفاده از فرصت های ممکن در تقویم دولتی ممکن نیست، فعالیت های خبر رسانی و تبلیغاتی جنبش نیز نمیتواند تنها به شبکه‌های مجازی موجود اتکا کند. استفاده از فرصت های دولتی، همچون ۱۳ آبان، روز قدس، عاشورا و ۲۲ بهمن هر چند سکوی مناسبی برای تداوم اعتراضات توده ای بودند، دیگر جنبه غافل گیرانه خود را از دست داده اند. بسیج رژیم در ۲۲ بهمن و افزایش کنترل رسانه‌ها و به ویژه اینترنت و تلفن در ایران حاکی از همین واقعیت است. تردیدی نیست که کودتاگران همیشه قادر نیستند که خطوط تلفن و یا اینترنت را قطع کنند، و استفاده از وسیع‌ترین اشکال مبارزاتی به سردرگمی و آشفته‌گی هر چه بیشتر تبلیغاتی کودتاگران منجر خواهد شد. در همین راستا استفاده هر چه وسیعتر و غیر متمرکز تر از رسانه‌ها و ابزار خبری به حفظ و گسترش شبکه‌های خبر رسانی جنبش کمک خواهد کرد.

۲) جنبش ضد استبدادی ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند گره خوردن به جنبش مطالباتی زحمتکشان است. به جرات می‌توان گفت که در هیچ زمانی در تاریخ پس از انقلاب چنین زمینه ای برای قدرت نمایی کارگران و زحمتکشان فراهم نبوده است. مداخله زحمتکشان اما بدون فراهم کردن زمینه گردش اطلاعات در میان لگدمال شده‌ترین جمعیت ایران ممکن نیست. یکی از ضعف‌های اتکا به رسانه‌های مجازی دقیقاً عدم دسترسی همین اکثریت عظیم به این رسانه هاست. استفاده از ابزاری همچون شبانه، تراکت، شعار نویسی در محلات کارگری و غیره می توانند در اطلاع رسانی و سازمان دهی و بسیج کارگران موثر باشند. در همین راستا سازمان دادن بولتن‌ها و گاهنامه‌های کارگری و بخش وسیع اخبار اعتراضات مردمی و حرکات کارگری از این طریق از اهمیت اساسی برخوردارند.

نامه نگاری به سازمان ها و نهاد های بین المللی از طرف تشکل های مستقل کارگری، دانشجویی و زنان می تواند به مطرح شدن خواست ها و مسائل این جنبش ها در سطح بین المللی کمک شایانی باشد. استفاده از نامه نگاری اقدامی است برای ثبت اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و دیگر جنبش ها و تعرض به سیاست های دولت اسلامی و اعمال فشار هر چه بیشتر به دستگاه ولایت فقیه است. نباید فراموش کرد که در

بقیه در صفحه :

۳۱ سال پس از انقلاب بهمن: از بت شکنی تا ساختار شکنی

گفتار سیاسی رادیو راه کارگر:

شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۳ فوریه ۲۰۹۰

سالگرد انقلاب عظیم ۵۷، و همانگونه که انتظار میرفت، برگ زرین دیگری شد در تاریخ جنبش ضد استبدادی مردم ایران. خیابانهای تهران، مشهد، شیراز، اهواز، تبریز و دیگر شهرهای ایران شاهد نبرد شجاعانه مردم با دولت کودتا بودند. نبردی که ۸ ماه پیش آغاز شد. نبردی که همچنان ادامه دارد. در ۲۲ بهمن، مردم ایران با حضور خود، با شعارهای ساختار شکنانه خود، و با جسارت تمام مشت محکمی دیگر بر پیکر لرزان دستگاه ولایت فقیه وارد آوردند. اهمیت حرکات اعتراضی مردم در شهرهای مختلف روشن تر خواهد شد اگر به چند نکته توجه کنیم:

اولاً، از کودتای خرداد ماه به این طرف بیش از صد نفر اعدام شده اند، هزاران نفر دستگیر و شکنجه شده و رژیم با اتکا به وحشیانه ترین اشکال سعی کرده تا مخالفین، و نزدیکان و خانواده‌های آنان را تحقیر و سرکوب کند.

ثانیاً، در این ۸ ماه، بیش از ده روزنامه ممنوع شده، صدها رسانه مجازی فیلتر و سانسور شده، کودتاگران ایران را به بزرگترین زندان برای خبرنگاران در دنیا تبدیل کرده، و صدها خبرنگار و فعال اینترنتی را تبعید کرده اند.

ثالثاً، دستگاه ولایت فقیه تمام دستگاه تبلیغی و لجن پراکنی و نیروهای مسلح خود را برای سرکوب و در هم شکستن اراده مردم ایران بسیج کرده است.

دوام، گسترش جنبش ضد استبدادی مردم در ۸ ماه گذشته، اما حاکی از شکست و استیصال کودتاگران است. تداوم این جنبش به نوبه خود و به تنهایی دستاورد عظیمی است، دستاوردی که در سالگرد انقلاب بهمن در معرض دید جهانیان قرار گرفت. حرکات مردمی در ۲۲ بهمن اما در عین حال ظرفیت انفجاری و عظیم، و توان اراده جمعی لگدمال شدگان و تشنگان آزادی و عدالت را به نمایش گذاشت. نباید فراموش کرد که کودتاگران از مدتها قبل میدانستند که ۲۲ بهمن به صحنه دیگری از قدرت نمایی مردم تبدیل خواهد شد. نباید فراموش کرد که کودتاگران از مدتها قبل و به منظور جلوگیری از حضور مردم در خیابانها به سرکوب هر چه وحشیانه تر، دستگیری هر چه وسیعتر و اعدام هر چه بیشتر اقدام کرده بودند. نباید فراموش کرد که دستگاه ولی فقیه نه تنها تلاش کرده بود تا شبکه‌های خبر رسانی مستقل و معترض را سانسور کند، بلکه از طریق رسانه‌های دولتی و مزدور، و پیامک و تریبون‌های رسمی به تهدید و پخش اکاذیب پرداخته بود. نباید فراموش کرد که ولی فقیه قصد داشت تا روز ۲۲ بهمن را به روز بیعت با دستگاه شکنجه و اعدام تبدیل کند. نباید فراموش کرد که بلند گویای تازه وارد شده از سوی کودتاگران در خیابان‌های تهران نصب شده بودند تا از این طریق فریاد داد خواهانه مردم را خفه کنند. نباید فراموش کرد که دولت با اتکا به تهدید، صدقه، و ساندیس و یک، تلاش کرده بود تا خیابانهای تهران را به صحنه نمایش وفاداری با ولی فقیه تبدیل کند. نباید فراموش کرد که میدان آزادی تهران در محاصره نیروهای نظامی بود، و خبرنگاران خارجی مستقیم به آنجا برده شدند تا نه از حرکات مردم بلکه از چرندیات احمدی‌نژاد گزارش تهیه کنند. نباید فراموش کرد که علیرغم این همه تدارک، رژیم همچنان نگران انعکاس جهانی اعتراضات مردم بود و به همین دلیل احمدی‌نژاد تلاش کرد تا با «هسته ای» اعلام کردن ایران این موضوع را در صدر اخبار جهانی قرار دهد. نباید فراموش کرد که دستگاه ولی فقیه تمام نیروهای خود را بسیج کرده بود و عملاً یک حکومت نظامی اعلام کرده بود.

با اینهمه نه تنها تهران، بلکه شهرهای دیگر کشور شاهد قدرت نمایی جسورانه مردم بود. با اینهمه صدای اعتراض مردم ایران بلندترین و رساترین صدا بود. با اینهمه اعتراضات مردم و نه فرمایشات احمدی‌نژاد و ولی فقیه در صدر اخبار رسانه‌های خارجی قرار گرفت. مردم ایران نه تنها بیعت نکردند بلکه همچنان شعارهای ساختار شکنانه سر دادند. در این نبرد نابرابر سیاست ارباب، و سلاح‌های گرم، خود روهای نظامی، گاز اشک آور، و نیروهای مسلح رژیم همچنان کار ساز نشد. در این روز و در شرایطی که رژیم بخش قابل توجهی از نیروی خود را در تهران متمرکز کرده بود، جنبش اعتراضی مردم در اهواز، اصفهان، مشهد، شیراز و شهرهای دیگر دست به تعرض زدند. در این روز مردان و زنان بیشماری به تجارب مبارزاتی خود افزودند. فریادهای شجاعانه مردم چنان رسا بود که حتی سیمای ولی فقیه نیز ناچار شد تا بخشی از گزارشات

مراسم فرمایشی دولت را بی صدا بخش کند. صدای مرگ بر دیکتاتور، حتی در گزارش سیمای جمهوری اسلامی نیز به گوش رسید. ۲۲ بهمن نه روزی برای بیعت با شکنجه، تجاوز و اعدام، که قدمی استوار در جهت گشودن هر چه بیشتر خلاقیت‌های جنبش توده ای و پیشرفت و گسترش آن بود. در این روز که جنبش ضد استبدادی مردم مجیز آزادی را گفت، جهان مجیز جنبش مردم ایران را گفت.

بقیه قدرت مردم، قدرت رسانه‌ها و استیصال استبداد ولایتی

انقلاب بهمن نامه‌های سرگشاده از جمله اولین رسانه‌های کوچکی بودند که در شکستن دیوار سانسور و رساندن فریاد دادخواهانه مردم بگوش جهان نقشی برجسته ایفا کردند. شکل‌گیری تشک‌های هر چه بیشتر و استفاده هر چه وسیعتر از این رسانه می‌تواند به تقویت شبکه‌های خبری و تبلیغاتی جنبش مردمی در کشورمان کمک کند.

۴) نامه سندیکای خبرنگاران آلمان نیز نمونه قابل توجه دیگری است از امکانات و ابزار موجود. جلب همبستگی جهانی با خبرنگاران و روشنفکران ایران باید در دستور فعالیت‌های تبلیغی جنبش اعتراضی مردم ایران قرار بگیرد. همبستگی کارگران رسانه‌ها و اتحادیه‌های بین المللی با خبرنگاران و نویسندگان ایرانی، و گسترش اعتراضات جهانی علیه سانسور و سرکوب رسانه‌ها بدون تردید در تقویت جنبش ضد استبدادی مردم نقش مهمی بازی خواهد کرد.

۵) در کنار سرکوب و سانسور، دستگاه ولی فقیه همچنین وسیعاً از دستگاه‌های تبلیغاتی خود برای تولید "حقیقت" و لجن پراکنی علیه جنبش ضد استبدادی مردم استفاده کرده است. تداوم جنبش ضد استبدادی مردم ایران به رویکرد کودتاگران به سرکوب هر چه عریان تر، نشانه‌ی شکست مطلق این سیاست ضد-اطلاعات و دروغ پراکنی رژیم است. با این همه تلاش برای درهم شکستن رسانه‌های رژیم از طریق تحریم و افشاکاری و جذب کارگران این بلندگوهای تبلیغاتی به صفوف جنبش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هیچ جنبشی برای دموکراسی نمی‌تواند به جلب کارگران رسانه‌های دولتی اقدام نکند. منافع خبرنگاران این رسانه‌ها با منافع جنبش گره خورده است.

گزارشی از اعتراضات مردمی در شهر اهواز

امروز صبح معترضان در شهر اهواز مرکز استان خوزستان، مانند دیگر شهرهای ایران در راهپیمایی اعتراضی روز ۲۲ بهمن ماه شرکت کردند.

در این تجمع دست کم ۲۰ تن از شهروندان معترض با زداشت شدند. به گزارش هراتا، از شب گذشته جو امنیتی سنگینی در اهواز برقرار شده بود و از ابتدای امروز صبح نیز آرایش نیروهای انتظامی و گارد ضد شورش بویژه در خیابان ۲۴ متری و خیابان نادری و همچنین منطقه کبائپارس و زیتون کازمندی به چشم می‌خورد.

تجمع مسالمت آمیز مردم معترض که مستقل از برنامه حکومتی برای این روز در خیابان ۲۴ متری اهواز حد فاصل ابتدای خیابان نادری و میدان ۲۴ متری (شهدا) برگزار شد، در ابتدا بدون هر گونه شعاری آغاز و با گذشت زمان کم کم به تعداد جمعیت افزوده شد. مردم تنها با حضور همراه با سکوت خود قصد داشتند اعتراض خود را نشان دهند که با یورش ماموران لباس شخصی و گارد ضد شورش روبرو شدند، در این یورش تعدادی از جوانان که نمادهای سبز همراه داشتند دستگیر شدند.

در زمان درگیری نیروهای لباس شخصی و امنیتی به دختران و زنان نیز حمله کرده و بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای ابتدا اسپری فلفل به صورت آنان پاشیده و سپس به ضرب و شتم آنان پرداختند، شهروندانی که در برابر بازداشت شدن مقاومت می‌کردند به بدترین شکل ضرب و شتم شدند و در موارد متعدد نیروهای گارد آنان را چند نفری احاطه کرده و روی زمین می‌کشیدند تا با خود ببرند.

نیروهای امنیتی همچنین با هرگونه تصویربرداری به شدت برخورد می‌کردند، گزارش شده است در همان ساعات اولیه درگیری دست کم ۲۰ تن از شهروندان بازداشت شدند و توسط ماشین‌های فقس دار ضد شورش از محل درگیری به نقطه نامعلومی منتقل شده اند.

شاهدان مدعی هستند میزان خشونت ماموران پس از راهپیمایی‌های خرداد ۸۸ تا کنون بی سابقه بوده است. خبرهایی مبنی بر درگیری‌های دیگری در برخی نقاط اهواز نیز بین مردم رد و بدل می‌شد اما کماکان از هویت و سرنوشت بازداشت‌شدگان اطلاعی در دست نیست.

گزارش خبرنگار روزنامه روسی "کامرسانت" از تظاهرات ۲۲ بهمن:

اینترنت و شبکه ها قطع شد اما اپوزیسیون قصد برداشتن نداشت
"الکساندر رنوتوف" خبرنگار روزنامه روسی "کامرسانت" در مقاله ای که روز جمعه در تازه ترین شماره این روزنامه به چاپ رسید، می نویسد: روز گذشته در ایران-31 مین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. اپوزیسیون سعی داشت از برنامه های جشن استفاده و تظاهراتی ضد دولتی برگزار کند. اما مقامات کشور با در نظر داشتن تجربه تظاهرات اعتراض آمیزی قبلی، بخوبی آماده شده بودند. در کشور تلفن های همراه قطع شدند، سرعت دسترسی به اینترنت محدود و تعدادی از شبکه های اینترنتی اجتماعی و پست الکترونیک کاملاً قطع شدند. پلیس به رهبران اپوزیسیون اجازه نداد که به محل تظاهرات راه بیابند و به کمک گاز اشک آور معترضین را متفرق کرد.

مولف می نویسد: اپوزیسیون مدت بسیاری بود که برای این روز آماده می شد. "میرحسین موسوی" و "مهدی کروبی" از قبل طرفداران خود را به حضور در خیابان ها دعوت کرده بودند. اما تلاش سران اپوزیسیون که در انتخابات ریاست جمهوری از محمود احمدی نژاد شکست خورده بودند، برای نشان دادن قدرت و نفوذ خود با شکست مواجه شد.

وی در ادامه می نویسد: مقامات ایران طی نیمسال مقابله با اپوزیسیون، تاکتیکی موثر برای خنثی سازی معترضین تدوین کردند. اقدامات مسولین حساب شده و بخوبی هماهنگ و تنظیم شده بود. آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران قبل از راهپیمایی ۲۲ بهمن "نیروهای ضد دولتی" را از انجام اقدامات خیابانی بر حذر داشت. در پایتخت نیروهای پلیس بیشتری حضور داشتند. در همان زمان نیز اختلال در کار اینترنت شروع شد. سایت ها در شبکه جهانی با سرعتی بسیار آرام باز می شدند و استفاده از سرویس های پست الکترونیک عملاً غیر ممکن شد. دسترسی به برخی شبکه های اجتماعی (همانند facebook) و twitter نیز از مدت ها قبل بسته شده بود. در نهایت نیز روز گذشته در تهران تلفن های همراه را قطع کردند. بدین ترتیب مقامات با یک تیر دو نشان زدند: اول اینکه اپوزیسیون را از امکان هماهنگی سریع اقدامات خود محروم ساختند. دوم اینکه پیرامون اقدامات معترضین خلأ اطلاعاتی بوجود آمد.

رنوتوف ادامه می دهد: با این حال از صبح روز پنجشنبه، هزاران نفر از فعالان اپوزیسیون که بیشتر آنها جوانان بودند، در میدان انقلاب تهران جمع شدند که در آنجا می بایست سران نیروهای ضد دولتی حضور می یافتند. اما اپوزیسیونرها موفق به دیدن رهبران خود نشدند. خودروهایی که موسوی و کروبی در آنها بسوی محل تظاهرات حرکت می کردند، در آستانه ورود به میدان توسط پلیس گرفته شد. گروه هایی از فعالان که انتظار چنین گامی را داشتند، سعی کردند دور خودروها کمربند زنده ایجاد کنند، اما مامورین انتظامی بدون هرگونه دشواری محافظین را از خودروها دور کردند. سپس میرحسین موسوی و مهدی کروبی را با لاجبار به خانه رساندند. تظاهرکنندگانی که نتوانستند رهبران خود را ببینند، مدتی سر در گم بودند. اما کمی پس از آن پلیس به آنها رسید و تجمع را به کمک چماق و گاز اشک آور متفرق کرد. گروه های ویژه پلیس فعالترین شرکت کنندگان در تظاهرات را شناسایی کرده می گرفتند. بنا به گفته شاهدین، نیروهای پلیس در بین تظاهرکنندگان افرادی را شناسایی می کردند که درصدد ترتیب دادن اقداماتی در پاسخ به پلیس بودند. آنها به کمک اسلحه های پینتبال آنها را رنگی می کردند و سپس از بین انبوه مردم آنها را شناسایی کرده و به اتوبوس پلیس منتقل می کردند. تا ظهر همه چیز پایان یافت.

مولف در پایان می نویسد: اپوزیسیون به باخت روز گذشته خود اعتراف کرد. یکی از نمایندگان اپوزیسیون به آسوشیتدپرس گفت: "همه چیز خیلی سریع رخ داد. همین الان ما چند صد نفر بودیم، اما یکدفعه دیدیم که پیرامون ما تنها پلیس است". با این حال اپوزیسیون قصد دست برداشتن از مقابله علیه احمدی نژاد را ندارد و یکی از نمایندگان اپوزیسیون گفت: "ما نیاز به وقت داریم تا دوباره گروه بندی کنیم". نمایندگان اپوزیسیون تظاهرات گسترده بعدی را برای نیمه دوم ماه مارس برنامه ریزی می کند که در ایران جشن نوروز آغاز می شود.

گزارشی از تهران؛ هراس و لشکرکشی رژیم در تهران

ایران پرس نیوز؛ دریک منطقه تهران (میدان آزادی) وبطور محدود نمایشی وفرمایشی که با پول وبخشنامه وابلایغیه وتهدید حداکثر حدود بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دانش آموز وارتشی وکارمند ادارات مختلف وافسران ودرجه داران سپاه وارتش وخلاصه تمامی نانخوران وجیزه بگیران وامتی که با پول گرفتن در تمامی جمعاعات بصورت سیاهی لشکر حضورداشته وخواهند داشت، آمده بودند تا اگر بتوانند قدرت حکومت نظامی امنیتی - فاشیستی جمهوری اسلامی را بنمایش بگذارند وویتربنی بشوند از ۷۰ میلیون ایرانی خسته ومنزجر از حکومتی که بجز چالش آفرینی وتنتش خواهی و ایجاد بلوا درمنطقه وجامعه جهانی هیچ ارمغانی بهمراه نداشته است.

درمنطق دیگر تهران که میتوان محدوده آنرا از میدان هفت تیر - خیابان کریم خان زند - میدان ولیعصر تا میدان صادقیه - بزرگراه اشرفی اصفهانی - بزرگراه آیت الله کاشانی وخیابانهای مششعب به آن پرشمرد، مردمی آمده بودند تا درمقابل تجمع دولتی ها درمیدان آزادی صف آرائی نمایند که نه پولی گرفته بودند ونه توقعی داشتند بجز مطالباتی که سی ویک سال است بوسیله حکومت جمهوری اسلامی پایمال گردیده واز ۲۲ خرداد به این سو با روشن شدن تقلب درانتخابات ریاست جمهوری چون اتشفشانی بزرگ فوران نمود وهرروز هم دامنه دارتر از پیش درفوران خواهد بود. همان میلیونها ایرانی متفرقو ملو از خشمی که آمده بودند تا با سکوت وحضورشان نفرت وانزجارشان را بنمایش بگذارند

آنانیکه در میدان آزادی جمع شده بودند همه از رسانه وتربیین وآزادی گفتار و حمل هرگونه پلاکارد را داشتند، اما برای این جمعیتی که میتوان ادعا نمود که اگر بهشان فرصت داده میشد سر به میلیونها میزد ونمادشان هم سبز بود همه چیز ممنوع بود. برای اینها ازته امروز همه چیز ممنوع بود! که از مدتها پیش وشاید درفردای بعد ازعاشورا همه چیز ممنوع شده بود.....

بهمین دلیل بود که امروز تمام تهدیدات عملی گردید و رژیم ازهمان ساعات اول ۲۲بهمن با آسودگی خیال ازآنسو، بسراغ اینطرفی ها آمده بودند تا با بگرویبند وبازداشت به تحقق فرامین رهبر وسران سپاه جامع عمل ببوشانند. هجوم آوردند تا دراولین ساعات روز با وحشیانه ترین شکل ممکن هزاران زن ومرد، دختروپسر، وبیروجوان را بجرم حضوردرخیابانها در نقاط مختلف بازداشت کنند وببرند. آمده بودند تا با حمله وهجوم هم موبایل های مردم خصوصاً جوانان را توقیف کنند وهم ساعت ها راهی بازداشتگاههای وزراء وزیرزمین مجتمع مستقر درمیدان هفت تیرومکانهای دیگر نمایند.

برابر اطلاعات حاصله جمعی ازبازداشت شدگان با اخذتعهد وگرفتن شماره موبایل ها وبررسی محتوای آنها که فیلم یا عکسی درآن نباشد، بعضی را مسترد، ولی بسیاری دیگرازموبایل ها را توقیف و صاحبان آنها نیز دربازداشت نگه داشتند..... تا شاید ازاین طریق مردم ناراضی را به سکوت وادارنمایند.

بگرویبند ومتفرق کردن مردم که معلوم بود در دستور کار قراردارد ازهمان ساعات اولیه آغازشد وماموران حاضرکه به انواع واقسام تجهیزات ولباسهای ویژه ملیس بودند تلاش برآن داشتند تا از بهم پیوستن مردم وشکل گیری یک راهپیمایی بزرگ که امکان شکل گیری آن در کوتاه ترین زمانم ممکن اجتناب ناپزیر مینمود جلوگیری نمایند. با همه این احوال مردم درفلكه صادقیه با سردادن شعار مرگ بر استبداد ومرگ بر دیکتاتور خشم خودرا بنمایش گذاشتند. در خیابان کریمخان هم ..مردم خشم خودرا بنمایش گذاشتند. اما وقتی کار به حمله وهجوم نیروهای لباس شخصی وگارد ویژه رسید نهایتاً متفرق شده و به کوچه ها و خیابانهای اطراف گریختند. ...

نکته بسیار مهم این بود که از سه - چهار روز پیش با بهانه های مختلف خطوط اینترنت بشدت دچار اختلال ناقت سرعت شده بود واز شب گذشته حدود ساعت ۲ بعد ازظهر خطوط اینترنت بکلی قطع و آنتن موبایل ها وحتی خطوط تلفن ثابت دراكثرمناطق تهران مختل وآنتن تلفن های همراه از صبح امروزدرهمه نقاط تهران بکلی قطع وامکان هیچ تماسی میسر نبود. از طرفی با توجه به پخش بودن نیروهای لباس شخصی درمیان مردم گرفتن عکس یا فیلم بوسیله موبایل هل ها یک ریسک بزرگ محسوب میشد مگر از سوی کسانیکه در این مناطق زندگی میکردند و امکان اینکه از داخل خانه و از پنجره ها بتوانند عکس یا تصاویر تهیه نمایند، برای مردمی که در داخل خیابان بودند یک ریسک بسیار جدی پر خطر بحساب میآمد. ...

تهران ۲۲بهمن ۸۸

بانک مرکزی:

کاهش ۶۵ درصدی رشد اقتصادی

آفتاب: بر اساس گزارش ناگرهای اقتصادی سه‌ماهه دوم سال ۱۳۸۸ که توسط بانک مرکزی منتشر شده است، رشد اقتصادی یا رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۸۷ با بیش از ۶۵ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۸۶ به ۲/۳ درصد رسیده است درحالی که رشد اقتصادی در سال ۸۶ معادل ۶/۷ درصد بوده است.

به گزارش آفتاب این آمار در حالی پس از گذشت بیش از ده ماه از سال ۸۷ توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود که بانک جهانی رشد اقتصادی ایران در این سال را حدود یک درصد اعلام کرده که با رقم ۲/۳ درصدی بانک مرکزی تفاوت زیادی دارد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی باید رشد اقتصادی کشور با احتساب نفت در سال ۱۳۸۷ به ۸/۴ درصد می‌رسید که با کاهش ۷۲ درصدی به ۲/۳ درصد رسیده است.

ضمناً رشد اقتصادی بدون نفت باید به ۶/۹ درصد می‌رسید که با انحرافی معادل ۷۲ درصد عدم تحقق به ۲/۳ درصد رسیده است.

طبق بندهایی از این گزارش در بخش ساختمان و مسکن نیز، روند نزولی تعداد پروانه‌های صادره ساختمانی در سال ۱۳۸۸ همچنان ادامه دارد و پروانه‌های صادره در نیمه دوم سال به رقم ۲۲۶۵ فقره در شهر تهران و ۲۹۴۴۹ فقره در کل کشور رسیده است که حاکی از به ترتیب رشد منفی ۹/۶۴ درصدی و منفی ۵/۳۷ درصدی در سه‌ماهه دوم دارد.

شایان ذکر است که این شاخص در سه‌ماهه اول سال نیز به ترتیب رشد منفی ۶۲ درصدی و منفی ۳۶ درصدی را تجربه کرده بود. همانطور که قبلاً تذکار داده شده است رشد منفی در تعداد پروانه‌های صادره می‌تواند عرضه مسکن را در سال‌های آینده به شدت کاهش دهد که با توجه به هرم سنی جمعیت در کشور (و نزدیک شدن به سال ۱۳۹۱ که سال اوج ازدواج‌ها و تشکیل خانواده و در نتیجه سال اوج تقاضای مسکن نامگذاری شده است) بسیار خطرناک است و آینده خوبی را پیش روی بازار مسکن نمی‌گذارد. در بخش صنعت، آمارها نشان می‌دهد که جواز تاسیس واحدهای صنعتی در اتفاقی نادر برای دومین سال متوالی منفی است. به طوری که در سال ۸۶ جواز تاسیس واحدهای صنعتی منفی ۳/۱۱ درصد کاهش یافته بود و در سال ۸۷ نیز این شاخص به صورت بی‌سابقه‌ای با رشد منفی ۷/۴۵ درصد روبه‌رو شده است. این شاخص نیز همچون شاخص پروانه‌های صادره، یک شاخص پیش‌نگر و پیش‌بینی‌کننده وضعیت آتی اقتصاد است که متأسفانه همچون دیگر شاخص‌ها وضعیت مطلوبی را نوید نمی‌دهد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی تولید و صادرات نفت نیز چه در سال ۸۷ و چه در سه‌ماهه دوم سال جاری منفی بوده است. هرچند که رشد منفی این شاخص کوچک بوده است اما این رشد منفی خصوصاً برای تولید می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت نامناسب کشور در گسترش و سرمایه‌گذاری کردن در میدان نفتی و به طور کلی عدم توجه به سرمایه‌گذاری در این بخش در سال‌های گذشته باشد که خطرناک است. مجموع آنچه آمد نشان می‌دهد که وضعیت اقتصاد ایران بر مبنای آمارهای بانک مرکزی کشور وضعیت مطلوب و مناسبی نیست.

این وضعیت نامناسب هنگامی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد که بدانیم رشد اقتصادی کشور برای سال ۱۳۸۷ معادل ۴/۸ درصد هدفگذاری شده بود که بنابر آمارهای رسمی، تنها رشدی ۳/۲ درصدی را تجربه کرده‌ایم که حتی به تنهایی نشان می‌دهد که زنگ‌ها برای اقتصاد ایران به صدا درآمده است.

۱۳ بهمن

برخی خبرهای کارگری

شکست طرحهای زود بازده بسته بندی خرما و بیکاری کارگران:

تعدادی از واحدهای بسته‌بندی خرما که در قالب طرح زودبازده تاسیس شده بودند، تعطیل و موجبات بیکاری مستقیم یا غیر مستقیم حدود چهار هزار نفر را فراهم کرده است. ۱۶/ بهمن/۱۳۸۸

تجمع و راهپیمایی کارگران معترض در اراک: کارگران شرکت آونگان اراک صبح چهارشنبه ۱۴ بهمن ماه سر کار خود حاضر نشدند و ۴۰۰ نفر از ایشان در اعتراض به اینکه شش ماه حقوق نگرفته‌اند، در خیابان های اصلی شهر اراک راهپیمایی کرده و مقابل فرمانداری این شهردست به تجمع زدند. ۱۵/ بهمن/۱۳۸۸

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد: کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدایشان دو روز متوالی دست از کار کشیده و به اعتراض علیه کارفرمایان پرداختند. ۱۴/ بهمن/۱۳۸۸

کارگران آوند پلاستیک ۴ ماه حقوق طلبکارند: دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین خبر از تاخیر چهار ماهه در پرداخت حقوق و مطالبات کارگران کارخانه آوند پلاستیک داد. ۱۴/ بهمن/۱۳۸۸

تعدیل دوباره ی کارگران کارخانه ساسان: تنها در فاصله چند هفته گذشته تعداد ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از افراد شاغل در کارخانه ساسان مجبور به بازخریدی شده‌اند. ۱۳/ بهمن/۱۳۸۸

سقوط یک کارگر به عمق ۷۵ متری چاه: کارگر جوانی هنگام کار در کارگاه ساختمانی در جاده ی مخصوص کرج به درون چاه قدیمی که حدود ۷۵ متر عمق داشت سقوط کرد و جان باخت. ۱۲/ بهمن/۱۳۸۸

تجمع کارگران شهرداری اندیشک: بیش از ۱۵۰ تن از کارگران شهرداری اندیشک که خواستار پرداخت حقوق معوقه خود و نیز پرداخت حق بیمه سهم کارفرما بودند، طی سه روز متوالی اقدام به تحصن در مقابل ساختمان شهرداری و فرمانداری این شهر کردند. ۱۲/ بهمن/۱۳۸۸

کارگران کیان‌تایر دوباره تجمع کردند: کارگران کارخانه کیان‌تایر اسلامشهر، به دلیل محقق نشدن وعده‌های داده شده مسولین، پیش از ظهر روز یکشنبه ۱۱ بهمن ماه در محل این کارخانه، بار دیگر دست به تجمع زدند. ۱۱/ بهمن/۱۳۸۸

درخواست آزادی برای روزنامه نگاران زندانی در ایران

در نامه ای خطاب به علی خامنه ای، شش سازمان دفاع از حقوق روزنامه نگاران و آزادی بیان خواستار آزادی روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان زندانی در ایران شدند.

در زمان ارسال این نامه بیش از شصت روزنامه نگار و وبلاگ نویس در زندان های جمهوری اسلامی ایران زندانی هستند.

در این نامه آمده است:

" امروز شصت روزنامه نگار و نویسنده در زندانهای جمهوری اسلامی ایران در حالی زندانی اند که حقوق آنها نادیده گرفته شده است... همان حقوقی که این کشور بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین قوانین بین المللی، به رعایت آنها متعهد شده است."

سازمان گزارشگران بدون مرز، کمیته حمایت از روزنامه نگاران، انجمن بین المللی دفاع از نویسندگان، انجمن روزنامه نگاران کاتاندا از جمله امضا کنندگان این نامه سرگشاده هستند.

این انجمن ها در این نامه نوشته اند: " این تعداد، شامل بیشترین روزنامه نگاران زندانی شده به یکباره و در طول یک دهه هستند."

قابل ذکر است که بیش از ۶۰ روزنامه نگار، نویسنده و وبلاگ نویس بعلت آنکه در رابطه با اعتراضات مردم به تقلب های " انتخاباتی " در هشت ماه گذشته خبر رسانی میکردند، توسط نیروهای سرکوبگر امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی شده اند.

برای برخی از این روزنامه نگاران احکام بسیار سنگینی صادر شده است. از جمله می توان به احکام محکومیت بهمن احمدی امویی، روزنامه نگار اقتصادی به شش سال زندان، احمد زیدآبادی به شش سال زندان و ممنوعیت از فعالیت مطبوعاتی تا پایان عمر و تبعید و سعید لیلانز به شش سال زندان اشاره کرد.

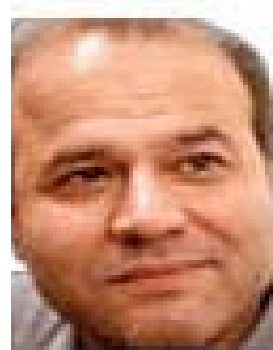
این نامه در حالی نوشته شده است که قرار است گزارش دولت ایران در مورد حقوق بشر در این کشور فردا، دوشنبه، پانزدهم فوریه، در شورای حقوق بشر سازمان ملل قرانت شود.

فعال کارگری بازداشت شد

در شبانگاه ۲۰ بهمن ماه، یکی از فعال کارگری در منزل خود دستگیر شد.

محمد اشرفی از فعالان کارگری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری است. مقامات قضائی جمهوری اسلامی قبلاً بجهت شرکت در مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر بازداشت شده بود و بابت این اتهام به تحمل یکسال حبس تعزیری از سوی دادگاه انقلاب شهر تهران محکوم شده بود. نامبرده پس از بازداشت به نقطه ای نامعلوم انتقال داده شد. ۱۲ فوریه ۲۰۱۰

منصور اساتلو به سلول انفرادی منتقل شد



منصور اساتلو رئیس

هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و اتوبوس رانی تهران در پی اعتراض به ضرب و شتم گارد زندان به سلولهای انفرادی بند ۱ زندان رجایی شهر منتقل شد.

خبرگزاری هرانا - یک فعال کارگری که دوران محکومیت خود در زندان رجایی شهر را سپری می کند از روز چهارشنبه به سلول انفرادی منتقل شده است.

به گزارش هرانا، منصور اساتلو فعال کارگری و رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران که دوران محکومیت خود را در سالن ۱۰ زندان رجایی شهر می گذراند در پی یورش گارد زندان به این سالن و ضرب و شتم زندانیان اعتراض نموده و از آن تاریخ به سلولهای انفرادی بند ۱ منتقل شده است.

در ماه های اخیر یورش گارد زندان و ضرب و شتم زندانیان به امری عادی بدل شده است و در آخرین مورد این درگیری که به شورش زندانیان تبدیل شد آخرین رئیس بند ۱ و یک تن از نیروهای گارد مورد ضرب و شتم زندانیان قرار گرفتند.

لازم به ذکر است در پی این یورش کلیه تماس های زندانیان رجایی شهر از روز چهارشنبه تا ساعاتی پیش قطع شده بود و زندانیان قادر به تماس با خانواده های خود نبوده اند.

نادر احسنی و الهام احسنی بازداشت شدند

نادر احسنی و الهام احسنی روز دوشنبه از سوی ماموران وزارت اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. دو تن از فعال دانشجویی روز دوشنبه از سوی ماموران وزارت اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

نادر احسنی به همراه خواهرش الهام احسنی از فعالین دانشجویی چپ، در ساعت ۲۲:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۹ بهمن توسط ماموران وزارت اطلاعات در محل سکونت خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

لازم به ذکر است نادر احسنی اخیراً از سوی قاضی مقیسه ای به یکسال حبس تعزیری محکوم شده بود، بازداشت فعالین سیاسی و مدنی در آستانه سالگرد انقلاب مردم ایران روند صعودی خود را همچنان طی میکند.

نهمصد هزار نفر از کارگران صنعت برق در آستانه بیکاری قرار دارند

ایلنا: حجم مطالبات اعضای سندیکای صنعت برق از دولت به رقم تکران کننده ۵ میلیارد دلار رسیده است.

رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق، سندیکای تولید کنندگان صنعت برق ضمن اعلام مطلب فوق در گفتگو با خبرنگار ایلنا افزود: مشکلات بی‌شمار واحدهای تولید کننده تجهیزات برقی را تهدید می کند. درحال حاضر بسیاری از تولیدکنندگان با تعطیل هستند و یا با بخش اندکی از ظرفیت تولیدشان کار می‌کنند.

محمد پارسا گفت: متأسفانه رقم بدهی‌های دولت به ما آنقدر سنگین شده که در صورت عدم چاره جویی واحدهای تولید کننده مجبور به تعطیلی خواهند بود و بیش از نهمصد هزار نیروی کار که مستقیم و غیر مستقیم در این صنعت مشغول به کار هستند، در معرض بیکاری قرار دارند.

او در توضیح این مطلب افزود: چون دولت طلب‌های ما را به موقع نداده ما نتوانسته‌ایم وام‌هایمان را تسویه کنیم و بدهی‌مان به سیستم بانکی بسیار سنگین شده است. از این رو ما از سوی بانک‌ها تحت فشار شدید هستیم و بین خود اعضا نیز دعوای حقوقی در جریان است.

او سرآغاز مشکل را از زمان تثبیت قیمت‌ها دانست که مجلس وقت تصمیم به تثبیت قیمت برق گرفت و گفت: از آن موقع وزارت نیرو نتوانست بدهی‌های خود را بپردازد و صنعت برق آهسته آهسته درگیر بحران شده و سیر قهقرایی آن آغاز شد. ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

جمهوری اسلامی باید

در شورای حقوق بشر محکوم شود

گزارشگران بدون مرز: روز دوشنبه ۲۶ بهمن ماه در نشست دورهای شورای حقوق بشر وضعیت حقوق بشر در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از زمان تاسیس این نهاد در سال ۲۰۰۶ جمهوری اسلامی علیرغم نقض فاحش و مستمر حقوق بشر اما هر بار از محکوم شدن نجات یافته است. تصمیم قاطع کشورهای عضو شورا و به ویژه کشورهایی چون چین و اعضای کنفرانس اسلامی در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران می‌تواند کمکی موثر در وادار کردن این کشور به محترم شمردن تعهدات بین‌المللی و موازین حقوق بشر باشد. کشورهایی که در برابر سرکوب خونین هشت ماه گذشته در ایران سکوت می‌کنند در ارتکاب این جنایات شریک هستند. شورای حقوق بشر سازمان ملل به هنگام بررسی پرونده ایران باید به مسئولیت خود عمل کند و نباید اعتبار این نهاد بار دیگر خدشه‌دار شود. شورای حقوق بشر باید خواهان آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی و از جمله روزنامه‌نگاران دربند شود. بیان جمهوری اسلامی در سی و یکمین سالگرد تاسیس‌اش در یک کلام اسفباری وضعیت حقوق بشر و آزادی بیان و مطبوعات است. از بهمن ۱۳۵۷ تا امروز هزاران نشریه در ایران توقیف و تعطیل شده‌اند، صدها روزنامه‌نگار زندانی و صدها حرفه‌کار مطبوعات به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند، متأسفانه ار فردای انقلاب تا امروز ده‌ها روزنامه‌نگار اعدام و یا به قتل رسیده‌اند. از خرداد ماه سال جاری بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی روزنامه‌نگاران افزایش بی سابقه‌ای یافته است. جمهوری اسلامی ایران با برقراری حکومت ترور هر انتقاد به نهادهای سیاسی و مذهبی را سرکوب می‌کند. نگاهداری زندانیان در شرایط دشوار و انفرادی‌های طولانی مدت و در زندان‌های مخفی پایمال کردن حقوق اولیه و بینادین آنهاست. این نوع زندانی کردن مخفیانه شکلی از "ناپدید کردن اجباری" و شکنجه و نقض حقوق بین‌المللی است. این اعمال می‌تواند از مصادیق جنایت علیه بشریت بشمار آید. گزارشگران بدون مرز یادآور می شود جامعه جهانی باید بر اساس اصول ناظر بر حقوق انسانی به محکومیت جمهوری اسلامی رای دهد. گزارشگران بدون مرز خواهان تعیین گزارشگر ویژه‌ای از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و اعزام فوری وی به این کشور است. ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

اعتراض ۱۲۰۰ مدافع حقوق برابر به لایحه حمایت از خانواده



نوشته شده در فوریه ۱۷، ۲۰۱۰ به وسیله‌ی jahanezanan

نگذاریم لایحه ضد خانواده در مجلس به تصویب برسد بیش از ۱۲۰۰ نفر از مدافعان حقوق برابر اعتراض خود را نسبت به تصویب لایحه حمایت از خانواده اعلام کردند. متن این بیانیه به شرح زیر است: هم میهنان عزیز؛ زنان و مردان برابری خواه و عدالت جو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، در اقدامی عجولانه و نابخردانه مواد ۲۳ و ۲۵ لایحه به اصطلاح «حمایت از خانواده» را با اعمال تغییراتی بی فایده و غیر موثر برای حمایت از نهاد خانواده، به تصویب رساند. این لایحه، نه تنها از قانون ۳۵ سال پیش یعنی قانون مصوب سال ۱۳۵۳ بسیار عقب تر است، بلکه قصد دارد چندهمسری مردان را قانونی کند. براساس لایحه جدید، اگر زنی مبتلا به بیماریهای صعب العلاج شود، یا شش ماه از خانه غیبت کند، یا حتی اگر به طور نمونه به دلیل صدور چک بلامحل زندانی شود، شوهرش می تواند همسر تازه ای اختیار کند. در حالی که در شرایط عکس آن، زن حتی حق طلاق هم ندارد.

این اقدام در حالی صورت گرفته است که ارانه این لایحه توسط دولت وقت به مجلس، در تیرماه ۱۳۸۶، اعتراض گسترده مدافعان حقوق زنان و همچنین دیگر مدافعان مدنی حقوق برابر و سلامت خانواده را به همراه داشت.

محور اعتراضات این لایحه دو ماده ۲۳ و ۲۵ بود که اولی، به مردان امکان می داد که بدون اطلاع و اجازه همسر خود، همسران دیگری اختیار کنند و دومی، نیز در ابتدا برای مهریه زن، مالیات تعیین کرده بود و اخیرا با حذف مالیات بر مهریه، آنرا به متعارف و غیر متعارف تقسیم نموده است و بدون تعیین ملاکی برای این امر، عملا امکان استفاده از آنها ابزار قانونی زنان برای طلاق را محدود کرده است. در واکنش به کلیات این لایحه ضد زن، کنشگران جنبش زنان و مدافعان حقوق برابر، اعتراضات گسترده ای را سامان دادند. آنها با توزیع بروشورها، نوشتن مقالات و انتشار بیانیه ها، اطلاع رسانی وسیعی را تدارک دیدند. نتیجه این اعتراضات تشکیل «انتلاف بزرگ نه به لایحه ضد خانواده» در سال ۸۷ بود که با مشارکت طیف گسترده ای از کنشگران جنبش زنان تشکیل شد. فعالان این انتلاف، توانستند از راه های مختلف، همچون جمع آوری امضاء، ارسال پیامک و کارت پستال های اعتراضی «نه به لایحه»، حضور در دفاتر نمایندگان، و همچنین حضور اعتراضی در مجلس شورای اسلامی، صدای اعتراض زنان را به گوش نمایندگان مجلس برسانند. سرانجام، موج این اعتراضات گسترده، منجر به حذف مواد ۲۳ و ۲۵ شد.

در فضای ایجاد شده پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری، مجدداً گروهی از نمایندگان مجلس در اقدامی فرصت طلبانه و زن ستیزانه با حمایت حامیان خود و در شرایطی که کوچکترین اعتراض توسط دانشجویان، معلمان، کارگران و روزنامه نگاران منتقد نسبت به نقض حقوق شهروندان با ارباب، دستگیری و محاکمات غیرعادلانه همراه بود، تصمیم به تصویب لایحه به اصطلاح حمایت از خانواده را گرفتند تا بار دیگر بر پیمان خویش در جهت تصویب قوانین تبعیض آمیز بر علیه زنان تداوم بخشند.

هم میهنان عزیز

اقتدارگرایان مردسالار می خواهند در حاشیه بحران سیاسی موجود، بی سر و صدا و فرصت طلبانه میخ قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را بر تن برابری خواهان و حامیان عدالت این سرزمین محکم تر بکوبند. پیش از این نیز در مقاطع حساس سیاسی، بارها مطالبات زنان در سایه سنگین منازعات کلان سیاسی به حاشیه رانده شده است. در سال های نخستین پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز، خواسته های بر حق زنان به بهانه منازعات سیاسی به عقب رانده شد؛ قانون حمایت از خانواده ملغا شد، حق انتخاب نوع پوشش از زنان سلب شد، زنان از قضاوت و ریاست جمهوری محروم شدند، مجازات سنگسار در قانون مجازات اسلامی گنجانده شد، و مجوز قتل ناموسی در قالب قاعده فراه به مردان داده شد. با این احوال، جنگ و بحران سیاسی بهانه ای شد تا زنان این سرزمین مهر سکوت بر لب زنند و به خانه ها رانده شوند. درحالی که علیرغم تمامی این اقدامات و تصمیم به خانه نشین کردن زنان، دختران و زنان آگاه توانستند «هویت» خود را با «حضور»شان در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و در جامعه به اثبات رسانند.

یک وکیل پایه یک و مدافع حقوق بشر روز یکشنبه هفته جاری از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به تحمل یکسال حبس تعزیری محکوم شد.

به گزارش هرانا، محمد اولیایی فرد وکیل پایه یک دادگستری در پی اعتراض به اجرای حکم بهنود شجاعی و سایر نوجوانان روز یکشنبه مورخ ۱۸ بهمن ماه از سوی دادگاه انقلاب تهران به اتهام تبلیغ علیه نظام به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شد. این حقوقدان و همکار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در پی جریان اعتراض به اعدام بهنود شجاعی و شکایت جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، به تبلیغ علیه نظام و توهین و افترا به قوه قضاییه متهم شده بود.

.....

عضو کانون نویسندگان

و فرزندش به ۵ سال حبس محکوم شدند

خبرگزاری هرانا - یک عضو کانون نویسندگان ایران به همراه فرزندش از سوی دادگاه انقلاب مجموعاً به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند.

به گزارش هرانا، علیرضا ثقفی روزنامه نگار و عضو کانون نویسندگان ایران از سوی دادگاه انقلاب به دلیل شرکت در تجمع روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران به تحمل ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد.

همچنین محسن ثقفی با اتهام مشابه از سوی دادگاه انقلاب به تحمل ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد.

لازم به ذکر است، آقای علیرضا ثقفی در روز ۱۳ بهمن ماه در پی احضار به اداره پیگیری وزارت اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

آخرین خبر در مورد علیرضا ثقفی!

خبرگزاری هرانا - عضو کانون نویسندگان ایران پس از تحمل ۱۲ روز انفرادی شب گذشته از زندان اوین آزاد شد.

به گزارش هرانا، علیرضا ثقفی بعد از گذراندن ۱۲ روز در بند ۲۴۰ زندان اوین امروز شنبه ۲۴ بهمن (۱۳ فوریه) بدون اطلاع از علت دستگیری اش و بدون گذاشتن وثیقه آزاد شد.

همچنین ایشان در تاریخ ۲۱ بهمن به دادگاه برده شده بود و بدون داشتن هیچگونه حق قانونی، حکم سه سال زندان به ایشان ابلاغ شد، که یکی از دلایل این حکم عضویت در "نهاد غیر قانونی کانون نویسندگان ایران" است.

.....

جونز: تحریم‌ها علیه ایران می‌تواند به تغییر حکومت بینجامد

جیمز جونز، مشاور امنیت ملی باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، روز یکشنبه در گفتگویی با شبکه‌ی تلویزیونی فاکس نیوز اعلام کرد که ایالات متحده در ماه جاری میلادی به دنبال تحریم‌های بسیار شدید ایران است که می‌تواند به تغییر حکومت بینجامد.

.....

مشاهدات یک شهروند در بعدازظهر ۲۲ بهمن

ندای سبز آزادی: مشاهدات یک شهروند در بعدازظهر ۲۲ بهمن
خشونت در میان صندلی‌ها

متن حاضر مشاهدات بنده بعنوان یکی از مسافری اتوبوسی است که بعد از ظهر بیست و دوم بهمن در خیابان ستارخان به وحشیانه ترین شکل ممکن مورد هجوم نیروهای گارد ویژه قرار گرفت.

پسرب ۱۵-۱۶ ساله ای که پیراهن سبز رنگ به تن داشت با اشتیاق آن چه بر او گذشته بود برای سایرین شرح میداد که ناگهان یکی از مسافران زن با الفاظ رکیک و فحاشی به استقبال سخنانش رفت.

پسرب سعی کرد با زبان منطقی و به آرامی زن را قانع کند، اما مجدد با فحاشی زن روبرو شد که این بار این حرکت از جانب سایر مسافری بی پاسخ نماند و همگان زبان به اعتراض گشودند و وقتی زن به هیچ صراطی مستقیم نبود شروع به هو کردن نمودند تا جایی که زن به همراه مرد همراهش در ایستگاه بعد بیخ و فریاد کنان و همراه فریاد شادی و هلهله ی مردم پیاده شد.

چند متر جلوتر کنار مسجدی که به ظاهر پایگاه نیروهای نظامی در آن روز بود در مقابل چشمان متحیر مسافری، زن و مرد با عجله خود را به آنان رساندند و انگشت اتهام به سوی اتوبوس بی دفاع نشانه رفتند.

نیروهای گارد ویژه با استناد به سخنان این هتاک طرفدار حکومت که " خود فضای اتوبوس را به التهاب کشانده بود؛ به مردم حمله بردند در حالی که زن کنار پله های اتوبوس با نگاه حریص و با لذت به صحنه های در پیش رو چشم دوخته بود.

بی شک حمله به مردم بی دفاع و اعمال خشونت در برابر سکوت و اعتراض آن چنان تصویر جنایت کارانه ی فراموش ناشدنی و هولناکی بر جای گذاشته که یک حکومت مدعی دموکراسی و اسلام‌گرایی را این چنین برای هشت ماه زیر سوال برده. و بعد از این همه تازه به جایی رسیده ایم که درنده خوبی‌های بی پایان هنوز تمامی نیافته و به مردم بی دفاع محصور در فضای بسته‌ای مثل حسینیه جماران در شب عاشورا و حیرت آورتر از آن در تنگنای صندلی‌های اتوبوس شرکت واحد مزین به پرچم و پوسترهای ۲۲ بهمن هم رحم نمی‌کنند.

جرم مسافران بی دفاع اتوبوس، تنها اعتراض کلامی به ادبیات سخیف و رایج حامیان خشونت طلبی بود و پاسخشان دستور گرفتن نیروهای حکومتی از یک ادعای کودکانه و غیر مستند برای ضرب و شتم وحشیانه و دستگیری، آن هم در فضای محصور اتوبوس!

نیروهای حافظ جان و مال و ناموس! بیمار گونه به اتوبوس حمله کردند و بدون هیچ ملاحظه‌ای و با ولعی خاص نسبت به قسمت باتوان، مردان و زنان بی‌گناه را میان فشرده‌گی جمعیت و صندلی‌ها زیر مشت و لگد و باتوم گرفتند و پیاده کردند و بیش از نیمی از مسافران اتوبوس را به اسارت بردند.

حال در همه‌می جشن و پایکوبی رسانه‌ی متوهم ملی و رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب و ایسته؛ کدام قدرت است که توان این را داشته باشد تا تصویر حمله‌ی وحشیانه‌ی نیروهای تا دندان مسلح گارد حکومتی را در قاب تنگ پنجره های اتوبوس از ذهن مردان و زنان دردمند این سرزمین پاک کند؟ ۲۷ بهمن ۱۳۸۸

همسر علی کربویی:

دست همسر ترک برداشته و سرش شکافته شده است!

دوپیچه وله: همسر علی کربویی در گفتگو با دوپیچه وله از دیگر جزئیات دستگیری، تهدید و آزار شوهرش پرده برداشت. فرمانده یگان ویژه، علی کربویی را پشت یک وانت انداخته و در طول مسیر، با کلماتی رکیک اعلام کرده که فرزند کربویی در اختیار اوست.

علی کربویی علاوه بر تهدید به تجاوز، رکیک‌ترین دشنام‌ها را در چند ساعت بازداشت خود شنیده و با دست ترک‌خورده، سرشکافته، بدن متورم و شلوار خونین به خانه بازگشته است. همسر او، لطیفه پناهی، از احساس عدم امنیت جانی و نگرانی برای جوانان بی‌نام و نشان می‌گوید.

اینک، تلاش مجدد قانونگذاران، برای بازگرداندن غیر قانونی مواد حذف شده ۲۳ و ۲۵ که مربوط به تعدد زوجات و تعیین مالیات بر مهریه و تقسیم آن به متعارف و غیرمتعارف است؛ حکایت از لجاجت آنها در برابر خواسته های بر حق زنان این سرزمین دارد. محدود کردن زنان در استفاده از مهریه که تنها راهکار موجود برای جبران نابرابری های حقوقی آنهاست و برقراری شروط مبهم دهگانه برای ازدواج مجدد مردان، که زمینه وسیع سوء استفاده آنان را فراهم می کند، در شرایطی که زنان حتی از حق طلاق در صورت ازدواج مجدد مردان برخوردار نیستند، چیزی جز نادیده انگاری مطالبات زنان و برخورد تلافی جویانه با حضور عدالت خواهانه آنها نیست. گویا زنان که در جنبش سبز، به دلیل وجود فشارهای چندگانه در زندگی فردی، اجتماعی، و سیاسی بار دیگر به گونه ای آشکارتر، به عنوان کنشگر مستقل سیاسی وارد میدان شده اند و خوی حق طلبانه و به دور از خشونت به مبارزات مردمی بخشیده اند، مستحق تنبیهی جانانه اند. غافل از آنکه، این کنشگران دیگر حاضر به پذیرش نابرابری قدرت، چه در حوزه عمومی و چه در حوزه خصوصی، نیستند. از افرادی که به نام نماینده ملت بر کرسی نمایندگی مجلس تکیه زده اند و تاکنون نیز اقدام مؤثری برای جلوگیری از تصویب لایحه ضد خانواده انجام نداده اند، می خواهیم اجازه ندهند با تصویب این قانون ننگ نابرابری قانونی دیگری به نام آنها رقم خورد.

ما، "جمعی از فعالان حقوق زنان و مدافعان حقوق برابر" با امضای این بیانیه، اعتراض خود را به تصویب لایحه "تخریب خانواده" به ویژه مواد ۲۳ و ۲۵ آن اعلام می داریم و خواهان به رسمیت شناختن حقوق انسانی زنان از طریق به تصویب رساندن قوانین برابر جنسیتی در مجلس هستیم. همچنین از همه زنان و مردان عدالت طلب ایرانی نیز می خواهیم تا با امضای این بیانیه، مخالفت خود را نسبت به این تبعیض آشکار بیان کرده و مانع از نهادینه شدن ستم دیگری بر زنان شوند.

اسامی امضاء کنندگان را در سایت راه کارگر ملاحظه نمایند.

<http://www.rahekargar.de>

دستگیری ۲۱ فعال زن در هفته منتهی به ۲۲ بهمن

مدرسه فمینیستی: در هفته منتهی به ۲۲ بهمن در پی دستگیری های گسترده، حداقل ۲۱ زن فعال در حوزه های مختلف خبری، هنری، فمینیستی و... بازداشت شده اند.

به گزارش سایت مدرسه فمینیستی از جمله این زنان فعال: نیلوفر لاری پور، نوشین جعفری، مهسا جزینی، سمیه مومنی، مریم قنبری، زینب کاظم خواه، نازنین فرزانه جو، بهار تراکمه، حمیده قاسمی، بنفشه دارالشفاپی و جمیله دارالشفاپی، سعیده میرزایی، ماه فرید منصوریان، پروین کهرزادی، ملودی محمودی زنگنه، الهام حسینی، مریم کریمی، نازنین حسن نیا، سحر قاسمی نژاد، گلناز توسلی؛ تارا سپهری‌فر و... بازداشت شده اند. لازم به ذکر است بهار تراکمه پس از سه روز آزاد شده است.

اما پیش از آن نیز در روزهای پس از حوادث روز عاشورا، تعدادی از فعالان جنبش زنان و جنبش دانشجویی، و فعالان مدنی و نیز زنان روزنامه نگار بازداشت شده بودند، از جمله منصوره شجاعی، زهره تنکابنی، بدرالسادات مفیدی، مهین فهیمی، لیلا توسلی، نوشین عبادی، نسرين وزیري، نیلوفر هاشمی آذر، آتیه یوسفی، بهاره هدایت، نفیسه اصفری، مریم ضیاء، مهسا حکمت، پریسا کاکایی، فروغ میرزایی، سارا توسلی، پروانه راد، زویا حسینی، نگین درخشان، سولماز علیمزادی، مهراوه آتشی، سمیه عالمی، لیلی فرهادپور، فرزانه زینالی و... که از میان این زنان، آتیه یوسفی، نوشین عبادی، نسرين وزیري، زویا حسینی و ناهید کوه شکاف، سولماز علیمزادی، مهسا حکمت، منصوره شجاعی، زهره تنکابنی، مهین فهیمی، فروغ میرزایی و پروانه راد، به تدریج از زندان آزاد شده اند.

اما در طی ۸ ماه گذشته از میان زنان دستگیر شده حوادث پس از حوادث انتخابات، هنوز تعدادی از زنان در بازداشت بسر می برند از جمله شیوا نظراهری، آذر منصوری، سمیه رشیدی، زهرا جبیری، کبری زاغه دوست، عاطفه نبوی، شبنم مددزاده، مهدیه گلرو و... اشاره کرد که برای برخی از آنان احکامی صادر شده است. از جمله می توان به شبنم مددزاده اشاره کرد که به تازگی به ۵ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان رجایی‌شهر محکوم شده است.

گزارش تکمیلی از بازداشت فعالین تبریز در شب گذشته

در پی احضار و بازداشت فعالین سیاسی و مدنی در شهر تبریز دست کم ۸ تن بازداشت شدند.

خبرگزاری هرانا - عصر روز سه شنبه ۲۰ بهمن ماه، ۸ نفر از فعالان سیاسی تبریز از گروهها و جریانهای مختلف سیاسی توسط اداره اطلاعات استان آذربایجان شرقی دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفته اند.

به گزارش هرانا، ۳ نفر از دستگیر شدگان همان شب پس از ساعتی بازجویی آزاد شده اند و ۵ نفر دیگر همچنان در بازداشت به سر می برند.

اسامی دستگیر شدگان به ترتیب زیر می باشند:

- ۱- دکتر غفار فرزندی - عضو نهضت آزادی
- ۲- اروجلی محمدی- فرماندار سابق تبریز و عضو جبهه مشارکت
- ۳- دکتر آصف حاجی زاده- عضو ادوار تحکیم وحدت
- ۴- دکتر جلیل یعقوب زاده- فعال هویت طلب
- ۵- دکتر صدری نیا- از فعالان ملی- مذهبی
- ۶- وحید شیخ بیگلر- فعال هویت طلب
- ۷- عباس پورظهری- عضو جنبش مسلمانان مبارز
- ۸- عزیزی- فعال هویت طلب

از این تعداد، آقایان عزیزی، دکتر حاجی زاده و دکتر یعقوب زاده بعد از ساعتی بازجویی آزاد شده اند.

همچنین در همان روز تعدادی از فعالان سیاسی تبریز به اداره اطلاعات استان احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند.

در خواست آزادی

برای روزنامه نگاران زندانی در ایران

در نامه ای خطاب به علی خامنه ای، شش سازمان دفاع از حقوق روزنامه نگاران و آزادی بیان خواستار آزادی روزنامه نگاران و ویلاک نویسان زندانی در ایران شدند.

در زمان ارسال این نامه بیش از شصت روزنامه نگار و ویلاک نویس در زندان های جمهوری اسلامی ایران زندانی هستند. در این نامه آمده است:

" امروز شصت روزنامه نگار و نویسنده در زندانهای جمهوری اسلامی ایران در حالی زندانی اند که حقوق آنها نادیده گرفته شده است... همان حقوقی که این کشور بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین قوانین بین المللی، به رعایت آنها متعهد شده است."

سازمان گزارشگران بدون مرز، کمیته حمایت از روزنامه نگاران، انجمن بین المللی دفاع از نویسندگان، انجمن روزنامه نگاران کاتادا از جمله امضا کنندگان این نامه سرگشاده هستند.

این انجمن ها در این نامه نوشته اند: " این تعداد، شامل بیشترین روزنامه نگاران زندانی شده به یکباره و در طول یک دهه هستند."

قابل ذکر است که بیش از ۶۰ روزنامه نگار، نویسنده و ویلاک نویس پعلت آنکه در رابطه با اعتراضات مردم به تقلب های " انتخاباتی " در هشت ماه گذشته خبر رسائی میکردند، توسط نیروهای سروبوگر امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی شده اند.

برای برخی از این روزنامه نگاران احکام بسیار سنگینی صادر شده است. از جمله می توان به احکام محکومیت بهمن احمدی امویی، روزنامه نگار اقتصادی به شش سال زندان، احمد زیدآبادی به شش سال زندان و ممنوعیت از فعالیت مطبوعاتی تا پایان عمر و تبعید و سعید لیلز به شش سال زندان اشاره کرد.

این نامه در حالی نوشته شده است که قرار است گزارش دولت ایران در مورد حقوق بشر در این کشور فردا، دوشنبه، پانزدهم فوریه، در شورای حقوق بشر سازمان ملل قرائت شود.

۲۲ بهمن و تحقق آرمان آزادی اندیشه و بیان

کانون نویسندگان ایران در تبعید

سی و یک سال از انقلاب بزرگ مردم ایران برای تحقق خواستهای بر حق خود میگذرد و هنوز این خواستها صورت واقعیت به خود نگرفته اند.

سر خط این خواستها، آزادی اندیشه و بیان و تشکل بود که حکومت شاه هزاران قربانی برای به ثمر رسیدن آن از مردم گرفت و حکومت اسلامی جانسین آن نیز انبوه مردم را به خاطر مبارزه در راه آن، قتل عام کرد.

اکنون در آستانه سی و دومین سال فراگرد انقلاب بهمن، بار دیگر مردم ایران در ابعاد میلیونی به خیابانها آمده اند تا از عزت و شرف آزادی دفاع کنند، به خشنترین جنایتهای رژیم جمهوری اسلامی پایان دهند و بندهای اسارت دیرینه سال خود را از هم بگسلند.

سانسور و اختناق فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی، در کنار بیداد سیاسی و اقتصادی آن در این سی و یک سال، فشار طاقت فرسانی را بر مردم ایران وارد ساخته که تحمل آن بیش از این ممکن نیست. از همین رو نیز هست که مبارزات رهانی بخش و تلاش پیگیر برای برون رفت از بن بست کنونی، شعار روز مردم و پیامی است که گوش شنوای مردم آزادیخواه جهان نیز آن را شنیده و به پشتیبانی از آن برآمده است.

درخشش چشمگیر این دفاع بر حق از خواستهای انسانی، هرروز، بیش از گذشته چهره تبهکار و کثیف جمهوری اسلامی را نمایش میدهد و پاسخی درخور در برابر جنایتهای آن است.

تنها راهی که جمهوری اسلامی در برابر مردم ایران برگزیده استبداد و سرکوب عریانیست که مدام بر ابعاد غیرانسانی آن افزوده میشود. اما این استبداد وحشیانه و عقب مانده، نه تنها نتوانسته مردم ایران را به عقب براند؛ بلکه خود رژیم را آشفته و سرگشتهتر از گذشته کرده و آن را در سطح جهانی به انزوی کم نظیری کشانده است.

اکنون جمهوری اسلامی دچار بزرگترین بحران درونی خود است و بر لبه پرتگاه سرنوینی قرار دارد. اکنون آرزوی مردم ایران برای دستیابی به خواست بر حق آزادی در آستانه واقعیت یافتن است.

آزادی اندیشه و بیان را بیش از این نمی توان در بند نگه داشت. روز رهانی نزدیک است. ۲۲ بهمن ۱۳۸۸

شورش مجدد در زندان رجایی شهر کرج

زندانیان محبوس در بند ۱ زندان رجایی شهر کرج

مجددا شورش کردند.

خبرگزاری هرانا - روزجاری بند ۱ زندان رجایی شهر کرج برای چندمین بار صحنه درگیری بین زندانیان و گارد زندان و همچنین اعلام حالت فوق العاده بود.

به گزارش هرانا، صبح امروز مورخ ۲۱ بهمن ماه با یورش گارد زندان بند ۱ زندان رجایی شهر کرج، بین زندانیان و نیروهای گارد درگیری روی داد که در این درگیری دست کم یک تن از نیروهای گارد به ضرب چاقو مجروح شد، پس از بالاگرفتن خشونت ها در این بند، نیروهای گارد با عقب نشینی از بند مورد اشاره اقدام به قفل کردن تمامی درها کردند و ساعتی بعد نیروهای ضد شورش از خارج زندان و احتمالا از زندانهای دیگر به این زندان وارد و مجدد درگیری را برای در دست گرفتن کنترل بند آغاز کردند.

در زمان تنظیم این گزارش کمکان بند ۱ زندان رجایی شهر کرج در کنترل زندانیان است. تاکنون تعداد زیادی از زندانیان در این درگیری زخمی شده و تعدادی دیگر نیز بازداشت شده اند. از تلفات احتمالی این درگیری کمکان اطلاعی در دست نیست.

لازم به ذکر است این زندان و خاصه بند مورد اشاره در طی دو ماهه اخیر دست کم شاهده سه مورد شورش بوده و برنامه هایی مانند ختم شب و برخورد های فیزیکی از سوی مدیریت زندان در این رابطه و در بند یک به صورت سیستماتیک اجرا می شود.

همچنین باید یادآوری نمود این زندان محل نگهداری بیش از ۷۰ زندانی سیاسی از سراسر کشور به صورت تبعید است. بهروز جاوید تهرانی، مهدی اسلامیان و منصور اسانلو سه زندانی سیاسی محبوس در بند یک زندان رجایی شهر کرج در حال حاضر هستند.

تداوم سرکوب سیستم قضایی و اکثر نهادهای

تصمیم گیری در شهر های آذربایجان!

فضای امنیتی آذربایجان و تسلط دستگاه اطلاعاتی بر سیستم قضایی و اکثر نهادهای تصمیم گیری در شهر های آذربایجان، امکان فعالیت وکلای مستقل در پرونده های امنیتی را سلب کرده است و وکلایی که در این عرصه فعالیت میکنند انگشت شمار و تحت فشار سیستم قضایی قرار دارند و دستگاه قضایی از تمدید پروانه وکالت و کلائی مستقل که در پرونده های امنیتی فعالیت دارند ممانعت می کند.

بیانیه زندانیان سیاسی در مورد اقدامات سرکوبگرانه در زندان گوهردشت کرج

یکبار دیگر حکومت چهره واقعی خود را در روز ۲۲ بهمن به نمایش گذاشت و تمام قوای خود را بکار گرفت. تا مانع از آن شود که مردم خواسته های حق طلبانه خود را در خیابان و حتی به شکلی آرام بیان کنند. بطوریکه نه تنها قدم به قدم خیابان ها را با استفاه از نیروهای انتظامی و لباس شخصی پر کرده بودند. بلکه حتی ما زندانیان را هم بی نسیب نگذاشتند و تعدادی را مثل آقای منصور اسالو و ارزنگ داودی را به سلولهای انفرادی فرستادند و هر گونه ارتباط بیرونی بدیهی زندانیان را اعم از تلفن، ملاقات و حتی هواخواری در هوای آزاد را بر روی همه زندانیان بستند و درب کلیه بندها، سالنها، سلولها و غیره را به روی ما بستند.

اگر چه بخوبی می دانستند که این دیگر نمایش علنی رسوایی و ترس از مردم است و مایه آبرو ریزی باز هم بیشتر آنها خواهد شد ولی؛

این هم از حکم خدا است و غر چاه می بینند و نتوانند حذر همانطوری که همه جهاتیان دیده اند حکومت قبل از هر چیز راه مردم بر آزادی و حتی میدان آزادی را بست و ایکاش همه نهادهای بین المللی و حقوق بشری و بخصوص دولتها همه متوجه می شدند که آنچه مشکل اصلی این مردم با حکومت است آزادی مردم می باشد که از قضا تنها راه حل تمامی دولتها بر سر مسائل دیگر با این حکومت است و ایکاش به ضرورت اقدام عملی و پشتیبانی جدی از مردم پی می بردند.

به امید پیروزی
زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج ۲۴ بهمن ۱۳۸۸

هفت عضو خانواده دارالشفايي در زندان اوین به سر می برند

رهاتا : صافورا تفنگچی ها و ابوالحسن دارالشفايي روز چهارشنبه ۲۱ بهمن ماه در پی احضار به وزارت اطلاعات بازداشت شده و به زندان اوین منتقل شده اند. این در حالی است که بنفشه و جمیله دارالشفايي هفته گذشته در پی احضار به وزارت اطلاعات بازداشت شده و در زندان اوین به سر می برند.

همچنین یاشار دارالشفا پسرعموی این دو نیز از ۱۴ بهمن ماه بازداشت و در زندان اوین نگهداری می شود. در ۱۵ بهمن ماه مادر وی، توران کبیری و بردارش کاوه دارالشفا نیز بازداشت شده بودند که یک روز پس از آن آزاد شدند.

به نوشته بهمن دارالشفايي، روزنامه نگار، توران کبیری و کاوه دارالشفايي نیز روز چهارشنبه مجدداً به وزارت اطلاعات احضار شده و آنان نیز بازداشت و به زندان اوین منتقل شده اند. بهمن دارالشفايي در وبلاگ خود از تماس تلفنی پدرش از زندان اوین در روز جمعه خبر داده است. پدر وی گفته است که برای او وکیل بگیرند.

به این ترتیب هفت عضو خانواده ی دارالشفايي (دارالشفا) هم اکنون در زندان اوین در بازداشت به سر می برند.

ابوالحسن دارالشفايي پیش تر در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه در روز جهانی کارگر بازداشت و به مدت ۷ هفته در زندان اوین به سر برده بود. وی ۴۴ روز از این مدت را در سلول انفرادی بوده است. همچنین یاشار دارالشفا نیز در ۱۳ آبان گذشته بازداشت و به مدت ۲۰ روز در زندان اوین بود تا با قرار کفالت از زندان آزاد شد.

۲۴ بهمن

سندیکای خبرنگاران آلمان

خواستار اعتراض دولت این کشور به ایران شد

سندیکای خبرنگاران آلمان از وزارت خارجه این کشور خواسته است به محدودیتهای خبررسانی آزاد در ایران اعتراض کند.

این سندیکا همچنین از وزیر خارجه آلمان خواسته است برای مقام های جمهوری اسلامی ایران روشن کند که اختلال سیستماتیک در بخش برنامه های دوپچه وله در ایران پذیرفتنی نیست.

رئیس سندیکای خبرنگاران، میشل کنکن (Michael Konken) گفته است، اعتراض وزارت خارجه باید شامل ایجاد مزاحمت های فراوان برای خبرنگاران خارجی در ایران نیز بشود که از دیرباز ادامه دارد.

«جمهوری اسلامی تنگه هرمز را مسدود می کند»

خبرگزاری «ریا نووستی»: سرلشگر "سیدیچی رحیم صفوی" دستیار و مشاور عالی رهبر اعلام کرد که جمهوری اسلامی بطور کامل تنگه هرمز را تحت کنترل دارد و اگر مورد حمله قرار بگیرد، در بستان آن تامل نمی کند. این مطلب را العربیه اطلاع داد.

صفوی گفت: "۵۷ درصد ذخایر اثبات شده نفت و ۵۷ درصد کل منابع گازی جهان در اختیار کشورهای اسلامی می باشد و کشورهای اسلامی بر تمامی گلوگاه های استراتژیک جهان تسلط دارند در حالیکه ۷۰ تا ۸۰ درصد حمل و نقل جهانی از طریق راه دریا انجام می گیرد".

وی افزود: "بطور نمونه از تنگه هرمز که جمهوری اسلامی بر آن اشرف کامل دارد روزانه ۱۵ تا ۱۷ میلیون بشکه نفت از این تنگه صادر می شود".

در روزهای اخیر اوضاع پیرامون ایران متشنج شده است. پس از اعلام آغاز غنی سازی ۲۰ درصدی در ایران، آمریکا و کشورهای غربی خواستار تشدید فشار بر ایران و اعمال تحریمات جدید شدند. همچنین اسرائیل خواستار تصویب "تحریم هایی فلج کننده" علیه ایران شده است. چندی پیش "نیکلای پاتروشف" دبیر شورای امنیت فدراسیون روسیه طی کنفرانسی مطبوعاتی در خبرگزاری «ریا نووستی» اظهار داشت که تهدید بروز جنگ در ایران وجود دارد. ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

پافشاری روسیه بر فروش موشکهای ضد دفاعی به ایران

راديو فرانسه: علیرغم اظهارات خوش بینانه وزیر خارجه آمریکا مبنی بر آمادگی روسیه برای حمایت از تحریم های جدید علیه ایران، روسیه می گوید دلیلی نمی بیند فروش اسلحه ضد هوایی این کشور به ایران را به تأخیر اندازد.

ولادیمیر نظروف، معاون دبیر شورای امنیت روسیه گفت ک "قرارداد فروش موشکها امضا شده و ما باید به آن عمل کنیم اما تحویلدهی اسلحه تا کنون آغاز نشده است".

معاون دبیر شورای امنیت روسیه گفت "قرارداد یاد شده مشمول هیچ یک از تحریم های بین المللی نمیگردد بدلیل آنکه فقط فروش اسحه دفاعی را در بر می گیرد".

معاون دبیر شورای امنیت روسیه در ادامه گفت حمله نظامی علیه ایران یک اشتباه جدی خواهد بود و مسایل مربوط به برنامه هستوی ایران باید فقط از راه های دیپلوماتیک حل و فصل گردد.

وی هشدار داد که هرگونه حمله نظامی علیه ایران وضعیت را انفجاری ساخته و عواقب بسیار منفی برای همه جهان از جمله روسیه، همسایه ایران، در پی خواهد داشت.

این در حالی است که دریا سالار مایکل مولن، رئیس ستاد نیروهای آمریکا نیز روز یکشنبه در تل ابیب گفت آغاز یک درگیری با ایران مشکل بسیار بزرگی برای آمریکا خواهد بود و وی از عواقب چنین حمله ای سخت نگران است. ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

کلینتون: ایران در حال تبدیل به یک دیکتاتوری نظامی است

راديو فردا: همزمان با آنکه هیلاری کلینتون، در قطر گفت: «دولت آمریکا معتقد است که ایران در حال تبدیل شدن به یک دیکتاتوری نظامی است»، جیمز جونز مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا گفت که اعمال تحریم های بسیار شدید علیه ایران می تواند منجر به تغییر رژیم در این کشور شود. ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

به یاد فروغ فرخزاد در

سالگرد خاموشی اش (۲۴ بهمن سال ۱۳۴۵)

فروغ فرخزاد در پانزدهم دی ماه و یا آن گونه که پوران فرخزاد، خواهرش می گوید در هشتم دی ماه ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد. در شانزده سالگی با پرویز شاپور، نویسنده، ازدواج کرد که حاصل آن پسری به نام کامیار (تنها فرزندش) که در سال ۱۳۳۱ به دنیا آمد. این ازدواج در سال ۱۳۳۴ به طلاق انجامید.

آشنایی فروغ با ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلمساز، پای او را به دنیای فیلم و سینما کشانید و تا پیش از مرگش در بهمن ۱۳۴۵ در "کارگاه فیلم گلستان" به عنوان تدوینگر فیلم مشغول بود. حاصل کار او از دوران "کارگاه فیلم گلستان"، فیلم مستند "خانه سیاه است" (۱۳۴۱) بود که از بهترین های سینمای مستند ایران محسوب می شود. این فیلم از جشنواره فیلم کوتاه اوپراوزن به جایزه نخست دست یافت. فروغ نخستین دفتر شعرش را با عنوان "اسیر" در سال ۱۳۳۱ منتشر کرد. پس از آن مجموعه شعرهای "دیوار" و "عصیان" به چاپ رسید. در ۱۳۴۲ فروغ در نمایش "شش شخصیت در جستجوی نویسنده" نوشته لوییجی پیر اندلو و به کارگردانی پری صابری بازی کرد و در اواخر همان سال مجموعه "تولد دیگر" با تیراژ بالای سه هزار نسخه توسط انتشارات مروارید منتشر شد.

ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، کتاب شعر دیگری از فروغ است که در سال ۱۳۴۳ منتشر شد.

فروغ فرخزاد در روز ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ در سانحه رانندگی جان سپرد و در قبرستان ظهیرالدوله دفن شد و سیمین بهبهانی درباره فروغ می گوید: «اما آغاز انفجار آوازه مان دو نقطه بود که با هم چندان فاصله بی نداشت. فروغ با شعر "گنه کردم، گناهی پر ز لذت" یکباره بر سر زبان ها افتاد و من با شعر "نغمه روسپی" شهرت تازه بی به دست آوردم. "گنه کردم" شعری بود گویای لحظه های عاشقانه و شیرین کامیابی که با زبانی صریح و بی پروا بیان شده بود. این شعر با عکسی از فروغ زیر عنوان شاعره ی بی پروا در مجله روشنفکر چاپ شد و چنین پایان می گرفت: خداوندا، چه می دانم چه کردم در آن خلوتگه تاریک و خاموش.

در همان اوان شعری هم از من در مجله امید ایران منتشر شد، گویای لحظه های کوتاهی از زندگی زنی که خودفروشی می کرد و پایان غم انگیز آن بر ادعاینامه علیه فقر و فساد جامعه امضا می گذاشت ... فروغ نیز ادعاینامه دیگری را امضا کرده بود و آن علیه تداوم نابرابری حقوق قانونی و عرفی زن و مرد بود.

به زودی شایع شد که شعر فروغ را تحریم و خود او را تکفیر کرده اند و شایع شد که مجموعه ی اسیر او را گروهی در خیابان بر روی هم انباشته و آتش زده اند. با این همه او همچنان با اشتیاق فراوان حس خورا در شعر می ریخت و این برایش تقریباً به نوعی مبارزه و مقاومت بدل شده بود.

چندی نگذشت که همه ما متوجه شدیم که فروغ برای اعلام اعتراض خود علیه جامعه ی سنتی مردسالار بهای گرانی پرداخته است. زن جوانی که گناهی جز اعتراض علیه سنتهای پوسیده با زبان شعر نداشت به بیمارستان افتاد.» (سیمین بهبهانی، گفتگو با مدرسه فمینیستی)

گنه کردم گناهی پر ز لذت
گنه کردم گناهی پر ز لذت کنار پیکری لرزان و مدهوش
خداوندا چه می دانم چه کردم در آن خلوتگه تاریک و خاموش
در آن خلوتگه تاریک و خاموش نگه کردم به چشم پر ز رازش
دل من در سینه بی تابانه لرزید ز خواهش های چشم پر نیازش
در آن خلوتگه تاریک و خاموش پریشان در کنار او نشستم

لبش بر روی لبهایم هوس ریخت ز اندوه دل دیوانه رستم
فرو خواندم به گوشش قصه عشق تو را می خواهم ای جانانه من
تو را می خواهم ای آغوش جان بخش تو را ای عاشق دیوانه من
هوس در دیدگانش شعله افروخت شراب سرخ در پیمانه رقصید
تن من در میان بستر نرم بروی سینه اش مستانه لرزید
گنه کردم گناهی پر ز لذت در آغوشی که گرم و آتشین بود
گنه کردم میان بازوانی که داغ و کینه جوی و آهنین بود

دست و پای زنان و بچه ها را بشکنید

جرس: بر اساس شنود بیسیم سردار رادان در روز ۲۲ بهمن، او از نیروهای تحت امرش می خواهد که "دست و پای زنان و بچه ها را بشکنند"

یکی از راهپیمایان در آریاشهر به خبرنگار جرس گفت که در مجاورت یک مامور شنیده است که به رادان می گوید: "سردار یک کپه جمعیت سبز اینجا ایستاده اند اما در میان آنها زن و بچه هم هست."

اما سردار رادان در پاسخ به مامور گفت: "زن و بچه چیه، همه را بزنید. دست و پاهایشان را بشکنید."

گفتنی است پیشتر نیز دستگاه بی سیم سردار رادان شنود و ضبط شده بود و در سایتهای اینترنتی منتشر شده بود. در یکی از این فایل های صوتی سردار رادان می گوید که "بزنید، کهریزکیشان کنید.."

افزایش فشار بر شیوا نظرآهاری و انتقال وی به سلولی شبیه قفس

شیوا نظر آهاری فعال حقوق بشر تحت فشار بازجویان وزارت اطلاعات و در یک سلول تنگ نگهداری می شود.

شیوا نظرآهاری فعال حقوق بشر در ۲۹ آذرماه به همراه کوهیار گودرزی و سعید حانری بازداشت شد. وی در اول مهرماه پس از بیش از ۱۰۰ روز بازداشت با وثیقه دویست میلیون تومانی آزاد شده بود. تا امروز، شیوا نظرآهاری در سال جاری حدود ۱۰۰ روز انفرادی و بیش از ۱۶۰ روز حبس را تحمل نموده است.

۵ تن از رهبران جامعه بهانی در تهران بازداشت شدند

روزنامه جوان روز یکشنبه از بازداشت ۵ تن از اعضای ارشد جامعه بهانی در تهران خبر داد. ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

* پیوندها *

سرمدبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargar.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.